

فرهنگ نامه حقوق بشر اسلامی (۴)

امنیت فردی در اسلام

تألیف

دکتر عباس خواجه پیری

عضویت علمی دانشگاه

و
وکیل پایه یک دادگستری

الحمد لله

فهرست مندرجات

دییاجه مؤلف	۴
مقدمه	۷
اهمیت امنیت در زندگی بشر	۱۲
اقسام امنیت	۲۱
مفهوم امنیت فردی	۳۱
قلمروی امنیت	۳۶
نقش دین در تأمین امنیت فردی	۵۲
اسلام و امنیت فردی	۶۶
امنیت و توسعه	۷۳
عوامل ایجاد امنیت معنوی	۷۹
چالش‌های امنیت فردی	۸۶
راهکارهای حفظ امنیت فردی	۹۷
مرز امنیت فردی و امنیت اجتماعی	۱۳۴
وظایف دولت در تأمین امنیت فردی	۱۳۹
منابع و مأخذ	۱۴۵

دیباچه مؤلف

بنا به دعوت رایزن محترم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو، توفیقی دست داد تا در معیت مسئولان محترم بنیاد بعثت به کشور روسیه سفر کنیم و زمینه‌ها و راهکارهای توسعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی در آن سرزمین را از نزدیک بررسی و بر اساس امکانات موجود، برنامه‌ی اجرایی لازم را تدوین نمائیم.

در این سفر ملاقات‌های مفید و پرباری با شخصیت‌های مختلف دینی و فرهنگی روسیه و تاتارستان انجام پذیرفت که به ویژه در جلساتی که با مسئولین ادارات امور دینی آن دو جمهوری برگزار شد، شاهد اظهار علاقه شدید آنان به ارائه کتب و متون اسلامی و حتی کتاب درسی در زمینه‌های معارف و اخلاق اسلامی بودیم.

ابراز تمایل وافر مسئولین فوق و نیز جمعیت قریب بیست میلیون مسلمان در فدراسیون روسیه و به ویژه در جمهوری‌های شمال قفقاز و ساحل ولگا، و نیز مخاطبین فراوان مسلمان و غیرمسلمان در سایر کشورهای اتحاد

جماهير شوروی سابق (که به زبان روسی تسلط دارند)، هم‌چنین عادت بسیار پسندیده اکثریت مردم آن دیار به مطالعه در وسایل نقلیه عمومی، موجب گردید موسسه نهضت ترجمه (که از قریب دو سال پیش فعالیت خود را در زمینه ترجمه و نشر الکترونیکی متون مربوط به معارف اسلامی آغاز نموده است) جامعه روسی زبان را به عنوان مخاطب اصلی خود قرار دهد و سازمان‌دهی فعالیت خویش را در این راستا معطوف دارد.

این جانب نیز به پشتوانه‌ی مطالعاتی که در بیش از یک دهه در زمینه‌ی حقوق بشر اسلامی دارم، بر آن شدم تا با تدوین متونی نسبتاً روان و کم حجم تحت عنوان «فرهنگ نامه حقوق بشر اسلامی» و ترجمه و نشر آن به زبان روسی، اصول مترقی حقوق بشر اسلامی را برای آنان ارائه و تبیین نمایم، که با لطف خداوند متعال تاکنون سه مجلد از فرهنگ‌نامه مزبور با عناوین؛ «مبانی حقوق بشر در اسلام»، «حق حیات در اسلام» و «اسلام و حق حریم خصوصی»

تدوین و به چاپ رسیده است و برخی از آن‌ها به زبان
روسی ترجمه گردیده و به زودی انتشار خواهد یافت.

کتاب حاضر مجلد چهارم از این مجموعه می‌باشد، که
همزمان با چاپ آن به زبان فارسی، ترجمه روسی آن نیز
آماده‌ی انتشار خواهد شد.

خداوند متعال را بر این توفیق شاکرم و از درگاه ربوبی
او توفیق تداوم این اقدام را مسألت دارم.

دکتر عباس خواجه‌پیری
خردادماه ۱۳۹۲ هجری شمسی

يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ
وَجَعَلْنَاهُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَاهُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

قرآن کریم_سوره حجرات آیه ۱۳

مقدمه

موضوعیت یافتن حقوق بشر، به لحاظ فطری بودن آن، قدمتی معادل عمر بشر در جهان خاکی دارد و از آن زمان که انسان بر این کره خاکی استقرار یافت، مقوله‌ی حقوق بشر نیز متولد گردید و با تعدّد و تکثر انسان‌ها و جوامع بشری، رشد و توسعه پیدا کرد و همواره منشأ مبارزات و نهضت‌های حق‌طلبانه و آزادی‌خواهانه گردید و به عنوان آرمان جاویدان بشر باقی ماند.

مورّخین در کاوش‌ها و مطالبات خود به اسنادی دست پیدا کرده‌اند که به لحاظ قدمت تاریخی به بیش از دو هزار سال قبل از تاریخ میلاد حضرت مسیح (ع) تعلّق دارند و در متن آن‌ها بر حقوق طبیعی انسان‌ها و آزادی‌های اساسی تاکید شده است.

ظهور دین اسلام در سال ۶۱۰ میلادی نیز یکی از زرّین‌ترین و جاویدترین فصول تاریخ بشریت است که به لحاظ محتوای تعالیم آن، به ویژه در زمینه حقوق انسان‌ها، در اندک زمانی در بخش وسیعی از جهان مورد پذیرش و استقبال انسان‌های تحت ظلم و ستم قرار گرفت و پیروان بسیاری پیدا کرد.

بنا به گفته ابوالعلا مودودی، متفکّر و محقّق مشهور، غربی‌ها عادت دارند که هر امر خوبی را به خود منتسب کنند و چنین وانمود سازند که همه مواهب و فضایی که بشریت بر آن دست یافته است، از ایشان نشأت می‌گیرد، حال آنکه مگناکارتا (منشور کبیر انگلستان) به عنوان نخستین سند تاریخی غرب در زمینه حقوق بشر، که در سال ۱۲۱۵

میلادی توسط جان(پادشاه وقت انگلستان) صادر گردید، بیش از ششصد سال پس از ظهور دین اسلام صادر شده است و این سند و اسناد متعاقب آن، دلیل محکمی بر عقب ماندگی غرب از قافله حقوق بشر و عدم توجه آنان به منزلت انسانی و تأخیر در مبارزه آنان با ظلم و ستم هایی که طی قرون متمادی بر بشریت رفته است محسوب می گردد.

مطالعه مفاهیم حقوق بشری در تعالیم اسلام به وضوح گویای آن است که نظام حقوق بشر در شریعت اسلام و تعالیم پیامبر اکرم(ص) در مقایسه با آنچه در غرب مورد ادعا قرار می گیرد، به مراتب کامل تر و جامع تر است و علت این امر تفاوت اساسی دو نظام حقوقی غرب و اسلام در نگرش به انسان و ویژگی های مادی و معنوی اوست.

در شریعت اسلام، ملاک های فضیلت، انسانیت و معنویت انسان مورد توجه خاصی قرار گرفته است، حال آنکه دیدگاه غرب نسبت به انسان مبتنی بر عوامل معنوی و اخلاقی نیست.

از طرفی چون اخلاق و مذهب می‌تواند به عنوان قوی‌ترین پشتوانه‌ی اجرای حقوق بشر و حمایت از آن، کاربرد داشته باشد، لذا تقویت ارزش‌های اخلاقی و مذهبی در هر جامعه سبب توسعه حمایت از حقوق بشر می‌گردد و انحطاط اخلاقی یا بی‌توجهی به ارزش‌های مذهبی نیز در نقض و سلب حقوق بشر تأثیر مستقیم و منفی دارد. بر این اساس چنانچه قانونمندی‌ها و مقررات لازم‌الاجرا در جامعه از پشتوانه‌ی عظیم معنوی و اعتقادی افراد آن جامعه برخوردار نگردد، در نهایت نتیجه‌ی مطلوب و مورد انتظار بیار نخواهد آورد.

عدم توجه ارگان‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد و اسناد بین‌المللی موجود به مذهب و اعتقادات دینی موجب عدم موفقیت در توسعه حمایت از حقوق بشر در دنیای امروزی گردیده است، که نتیجه‌ی آن وضع رقت بار و اسف بار ناشی از نقض حقوق انسان‌هاست که همه‌روزه در تمامی نقاط دنیا شاهد آن هستیم.

در این سلسله مقالات ما بر آنیم تا با معرفی اجمالی
پاره‌ای از تعالیم ناب اسلامی، حقانیت شریعت متعالی دین
اسلام را در مقایسه با ادعاهای پر طمطراق ولی پوچ و
بی‌اساس غربی‌ها بیان کنیم تا همگان بدانند که بشریت تا چه
حد وامدار تعالیم اسلام و شریعت پیامبر خاتم (ص) است.

من الله التوفیق

اهمیت امنیت در زندگی بشر

مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیاز انسانی که از حق حیات و زندگی بهره‌مند گردیده است، برخورداری از «حق امنیت» است.

نیاز انسان به امنیت از نیازهای زیستی همچون خوراک، پوشاک و مسکن، بالاتر و با اهمیت‌تر است و به عنوان یک دغدغه و نگرانی برای هر فرد، جامعه و یا دولت شناخته می‌شود؛ زیرا اشخاص و جوامع تنها با وجود و استقرار امنیت و آرامش می‌توانند به رفاه و شکوفایی دست یابند و در مسیر تعالی و بالندگی فردی و اجتماعی گام بردارند.

حق امنیت به عنوان یکی از نیازهای طبیعی و فطری انسان، از قدمتی معادل طول عمر حضور بشر در کره زمین برخوردار است.

مطالعه در تاریخ حیات بشر نمایانگر آن است که انسان از ابتدای حضور و هبوط در زمین و آغاز زندگی در این

کره خاکی، نیاز مبرم به «امنیت» را با همه وجود خویش احساس و درک نموده است و برای تأمین و صیانت از آن اقدام به «پناه جوئی» کرده است و در هیچ برهه و زمانی در طول حیات خویش در زمین، در پاسداشت و حفظ این نیاز طبیعی و اولیه‌ی خود درنگ و غفلت ننموده است. در این راستا گاه انسان برای تأمین امنیت خویش، متحمل هزینه‌ها و مشکلات بسیاری گردیده تا آنجا که گاه حق حیات خویش را تاوان دفاع از امنیت فردی یا اجتماعی خود قرار داده و بدین وسیله مهم‌ترین سرمایه‌ی خویش را برای تأمین یا حفظ این حق و نیاز اساسی فدا نموده است. باید توجه داشت که در مقام تعیین نیازهای بشری، نیاز انسان به امنیت قبل از احتیاج او به آزادی است و به تجربه ثابت شده است که چنانچه فرد مجبور شود تا از میان حق برخورداری از امنیت و حق بهره‌مندی از آزادی یکی را انتخاب کند، او حق امنیت را برمی‌گزیند و حاضر است آزادی خویش را فدای امنیت خود کند تا جان و روان خویش را از خطر

تعرّض و تجاوز دیگران نجات بخشد^۱ و به طور کلی هنگام وجود تعارض بین سایر حقوق انسانی و امنیّت، انسان‌ها معمولاً امنیّت فردی و حتّی اجتماعی خویش را بر سایر حقوق ترجیح می‌دهند و این امر گویای اهمیّت و ارزش بنیادی امنیّت به حساب می‌آید.

تاریخ زندگی بشر گویای آن است که انسان‌های اولیه برای کسب امنیّت جانی خویش به غارها پناه می‌بردند و در آن‌ها سکنی می‌گزیدند تا از گزند تعرّضات جانی توسط حیوانات و یا انسان‌های دیگر مصون و محفوظ بمانند.

اقدام انسان نخستین برای ساخت سلاح از وسایل ساده و ابتدایی و تلاش او در طول تاریخ برای دستیابی به سلاح‌های کارآمد و تکنولوژی‌های پیش‌رفته‌تر و قوی‌تر، نیز ریشه در احساس نیاز او به تأمین امنیّت دارد.

کوشش انسان‌ها برای زندگی جمعی و قبیله‌ای، تلاش در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران و حتّی انعقاد پیمان با اقوام و طوایف دیگر، در واقع راهکارهایی است که

^۱ آزادی‌های عمومی و حقوق بشر - طباطبائی - ص ۶۳

انسان‌ها برای ایجاد و مراقبت از امنیت خود و اطمینان از عدم تعرض به یکدیگر برگزیده‌اند.

بی‌تردید یکی از انگیزه‌ها و دلایل مهم ترغیب انسان‌ها به تشکیل حکومت و دولت و نهادهای ملی، از جمله قوه مقننه و قوه قضائیه، نهادینه کردن مسئله دفاع از امنیت و آرامش آحاد جامعه از طریق تصویب قوانین لازم و یا برخورد قضایی با متعرضان و تهدیدکنندگان امنیت فردی و اجتماعی می‌باشد، از بعد روحی نیز تلاش انسان‌ها برای عبادت و ایجاد ارتباط معنوی با پروردگار و خالق هستی، باهدف یافتن پناهگاه معنوی و نیل به آرامش و امنیت روانی صورت می‌پذیرد.

مرور اجمالی بر تاریخ اندیشه‌های سیاسی و نیز مطالعه‌ی تاریخ حیات بشر، مؤید آن است که مفهوم امنیت به صورت عام و کلی مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه، از ارسطو و افلاطون و سایر حکمای قدیم تا دانشمندان صاحب‌نظران سیاسی و حقوقی بوده است و هر یک به نوعی به این مؤلفه‌ی مهم در زندگی فردی و اجتماعی انسان پرداخته‌اند.

از دیدگاه روانشناسان و روانکاوان، عامل «ترس» و «نگرانی»، علاوه بر اینکه یک بیماری به حساب می‌آید، خود خاستگاه و بستر بروز بسیاری از بیماری‌های جسمی و روحی انسان‌هاست، از طرفی انسان نیز به درستی دریافته است که نتیجه عدم وجود امنیت فردی، حاکم شدن و سلطه ترس، دلهره و نگرانی در جامعه می‌باشد و در اثر فقدان این نعمت بی‌بدیل و یگانه، انسان‌ها دچار عوارض و بیماری‌های گوناگونی می‌شوند و روابط اجتماعی آنان دچار اختلال و آشفتگی می‌گردد که وجود بیماران روحی در کلینیک‌های روان‌درمانی، رفتاردرمانی، روانکاوی و روانشناسی، نشان‌دهنده‌ی عدم امنیت کامل و بایسته در جامعه می‌باشد.

از دیدگاه اسلام امنیت به عنوان یک نعمت بزرگ الهی معرفی شده است و در کلام بزرگان دین از آن به «نعمت بهشتی» تعبیر گردیده است.^۱

دیدگاه شریعت اسلام نسبت به مقوله پیچیده امنیت، به قدری مترقی و منطبق با نیازها و تحولات روز است که در

^۱ مجمع البیان- ج ۹- ص ۱۳۷

همه ابعاد امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی احکام و مقررات متقن و کارآمدی مقرر گردیده است.

در احکام فقه اسلامی، مجازات‌های سخت و قاطعی برای تهدیدکنندگان و متجاوزین به امنیت فردی و اجتماعی که به عنوان «محارب» شناخته می‌شوند و موجب اخافه (ایجاد ترس و نگرانی) آحاد جامعه می‌شوند، منظور گردیده است.

پیامبر اسلام (ص) در بیان اهمیت «امنیت» فرموده است: سپاس دو نعمت بجا آورده نشده است و مورد ناسپاسی و ناشکری واقع شده‌اند؛ امنیت و عافیت^۱.

حضرت علی (ع) نیز در همین زمینه می‌فرماید: نعمتی گوارتر از امنیت وجود ندارد^۲.

در معارف اسلامی زندگی ایده آل و مطلوب برای انسان‌ها به «حیات طیبه» تعبیر گردیده و از خصائص آن برخورداري از نعمت بی‌بدیل «امنیت» دانسته شده است.

^۱ نهج الفصاحه - حدیث ۱۱۶۳

^۲ غررالحکم - باب الأمن - حدیث ۱

بدیهی است که اهمیت این نعمت بزرگ الهی آنگاه برای انسان قابل درک و احساس است که او به ترس و نگرانی دچار شود و مبتلا به فقدان امنیت گردد، چنانکه در فرمایشات بزرگان دین از امنیت به «نعمت مجهول» تعبیر شده است: دو نعمتند که مجهول و مغفول می‌مانند؛ سلامت و امنیت^۱.

قرآن کریم امنیت و آرامش انسان را در کنار نعمت رفع گرسنگی و امکان ادامه حیات بیان فرموده است: فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا اللَّيْلِ ﴿٢﴾ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَءَامَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ ﴿١﴾.

در نگاه قرآن کریم امنیت به عنوان یک نیاز مبرم و اساسی بشر معرفی گردیده است. در آیات قرآن بر اصل کرامت و ارزش ذاتی انسان تأکید فراوان شده است و بر این

^۱ نهج الفصاحه

^۲ پس باید پرستش کنند پروردگار این خانه را که پس از گرسنگی خوراندشان و پس از ترس ایمنشان ساخت. قرآن کریم -سوره قریش-

مبنا نسبت به رعایت حریم خصوصی و امنیّت فردی و اجتماعی او اهمیّت خاصی داده شده است.

منزلت و مقام انسان در قرآن کریم چنین توصیف گردیده است: جانشین خداوند در زمین^۱، مسجود ملائکه^۲، اشرف مخلوقات^۳، نشانه بزرگ آفرینش^۴، موجود باکرامت و فضیلت بر سایر مخلوقات^۵، مخلوق برگزیده‌ی الهی^۶، موجودی برای پرستش خداوند^۷، موجود مسئولیّت پذیر^۸، اشرف مخلوقات^۹، موجودی دارای حقّ سرنوشت^{۱۰} و

^۱ قرآن کریم-سوره بقره - آیه ۳۰

^۲ قرآن کریم-سوره بقره-آیه ۳۴

^۳ قرآن کریم-سوره مؤمنون - آیه ۲۳

^۴ قرآن کریم-سوره فصلت- آیه ۵۳

^۵ قرآن کریم-سوره اسراء-آیه ۷۰

^۶ قرآن کریم-سوره نحل-آیه ۱۲۱

^۷ قرآن کریم-سوره ذاریات- آیه ۵۶

^۸ قرآن کریم-سوره احزاب- آیه ۱۷

^۹ قرآن کریم-سوره مؤمنون- آیه ۲۳

^{۱۰} قرآن کریم-سوره کهف-آیه ۳۹، سوره انسان- آیه ۳

مخلوقی که سایر مخلوقات برای او مسخّر گردیده و به او حقّ بهره بردن از آن‌ها داده شده است.^۱

این گونه توصیف از انسان مبین دیدگاه اسلام نسبت به امنیّت اوست، زیرا انسان با وجود امنیّت قادر خواهد بود تا نقش خویش را در هستی ایفا کند.

انسان برای عبادت و پرستش خداوند خلق گردیده است، ولی باید توجّه داشت که عدم امنیّت پاره‌ای از تکالیف عبادی را از انسان ساقط می‌کند (همچون وضو، روزه، غسل، حج، توجّه به جهت قبله) و بعضی از محرّمات را نیز مجاز و مباح می‌سازد (مانند خوردن گوشت مردار یا تصرّف در مال دیگری).

در روایات آمده است که پیامبر گرامی اسلام (ص) همواره از درگاه خداوند متعال طلب امنیّت می‌فرمود^۲.

^۱قرآن کریم-سوره جائیه-آیه ۱۳

^۲بحارالانوار-ج ۸۷-ص ۶۵

اقسام امنیّت

مقوله امنیّت، چنانکه پیش تر اشاره شد، در کلیّه‌ی شئون فردی، اجتماعی و حتّی بین‌المللی انسان‌ها به عنوان بستر و زمینه اصلی برای تحقّق حقوق فردی و جمعی آنها، ضرورت دارد و فقدان آن ولو به صورت موقت و مقطعی، به مفهوم عدم وجود امکان برخورداری صحیح و بایسته از حقوق و آزادی‌های بشری می‌باشد.

لزوم وجود امنیّت در تمام شئون زندگی بشر، موجب گردیده است که تقسیم‌بندی‌های مختلفی از امنیّت ارائه گردد.

از یک طرف امنیّت بر مبنای ابعاد وجودی انسان، به امنیّت فیزیکی و جسمانی و امنیّت معنوی و روحی تقسیم‌بندی می‌شود، از طرف دیگر امنیّت بر اساس قلمروی نفوذ آن به امنیّت فردی، امنیّت اجتماعی و امنیّت بین‌المللی تقسیم می‌گردد.

از دیدگاه ادیان الهی دو نوع امنیّت کلی می‌توان برای انسان قائل گردید. در این تقسیم‌بندی، امنیّت بشر به امنیّت دنیوی و امنیّت اخروی منقسم می‌شود:

امنیت دنیوی ناظر به نیازها و حوائج عمومی انسان‌ها، از قبیل مصونیت جان، مال، حیثیت، اعتبار، عقیده و بیان آن‌هاست و به حیات دنیوی انسان مربوط می‌شود.

امنیت اخروی از منظر اسلام به ایمان آوردندگان و هدایت یافتگان اختصاص دارد و انسان‌هایی از آن بهره‌مند خواهند شد که به خداوند یگانه و روز باز پسین اعتقاد و باور داشته باشند و با ارتکاب اعمال صالح و نیکو از این نعمت خاص برخوردار می‌گردند.

جامعیت شریعت اسلام در آن است که به همه اقسام امنیّت (اعم از امنیّت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی) توجه دارد، همچنان که به هر دو بعد حیات انسان (جسم و روح) اهمیت داده شده است.

قرآن کریم امنیّت و آرامش روحی انسان را نتیجه ایمان و یاد خداوند می‌داند و می‌فرماید:

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ
 اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ^۱

حفظ اَمْنِیتِ جسم و آرامش بدن انسان نیز مورد توجّه
 اسلام قرار گرفته است و عواملی که موجب ایجاد اخلال در
 سلامت و اَمْنِیتِ انسان می شود، صراحتاً مورد نهی دین اسلام
 قرار گرفته است:

يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ
 وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ
 تَفْلَحُونَ ^۲

^۱ کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد، بدانید
 که با یاد خداست که دل ها آرام می گیرد. قرآن کریم-سوره رعد -آیه

۲۸

^۲ ای مؤمنان، شراب و قمار و بتان و ازلام، پلید و عمل شیطانی است، از
 آن پرهیز کنید، باشد که رستگار شوید. قرآن کریم-سوره مائده-آیه

۹۰

بدیهی است که عدم رعایت دستور الهی موجب بروز دشمنی و کینه‌توزی میان آحاد جامعه می‌گردد و امنیت جسمی و روحی آنان را به چالش می‌کشد:

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ
وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ
الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ^۱

اهمیت امنیت و سلامت جسمانی انسان در احکام فقه اسلام در قالب محرمات (من جمله در بیان خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حلال و حرام) به خوبی منعکس گردیده است، به عنوان مثال حرمت خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک این چنین در قرآن کریم مورد حکم قرار گرفته است:

^۱ همانا شیطان می‌خواهد در پرداختن به شراب و قمار، بین شما عداوت و کینه بیاندازد و شما را از یاد خدا بازدارد، آیا دست‌بردار هستید؟ قرآن کریم-سوره مائده-آیه ۹۱

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنَازِيرِ
وَمَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ اللَّهِ ^طفَمَنْ أَضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا
إِثْمَ عَلَيْهِ ^جإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾^۱

شریعت اسلام انسان‌ها را به بهره‌مندی از نعمت‌های
حلال و پاکیزه فرامی‌خواند تا انسان به ورطه ناامنی و نا
سلامتی فرو نرود:

يَتَأَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَلًا طَيِّبًا
وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتَ الشَّيْطَانِ ^جإِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ


^۱ بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نامی جز نام خدا به هنگام
ذبحش برده باشند، حرام کرده است؛ اما اگر کسی درمانده شود و تجاوزکار و
زیاده‌خواه نباشد، گناهی بر او نیست، چرا که خداوند آمرزگار مهربان است.
قرآن کریم-سوره بقره-آیه ۱۷۳

^۲ ای مردم، از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و از گام‌های شیطان
پیروی نکنید، چرا که او دشمن آشکار شماست. قرآن کریم-سوره بقره-آیه

پیش‌بینی احکام کیفری در قرآن کریم باهدف تأمین امنیت جانی برای انسان، نشانگر اهمیتی است که اسلام برای امنیت فردی قائل می‌باشد.

حکم قصاص برای شخصی که مرتکب عمل سلب حیات از دیگری شود، نمونه بارزی از احکام جزائی اسلام برای صیانت از امنیت شخصی انسان‌هاست:

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَأْتُوا آلَ لَبِ بْنِ لَعْلَكُمُ
تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾

منع سلب حیات از نفس محرمه‌ی انسان بدون مجوز شرعی و قانونی، پرهیز از زیاده‌روی در قصاص^۲، منع خودکشی^۳، عدم تجویز صدمه وارد کردن به تمامیت جسمی دیگران، برخورد با خاتمه دادن به زندگی کودکان از بیم

^۱ ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی نهفته باشد، باشد که تقوا پیشه کنید. قرآن کریم-سوره بقره-آیه ۱۷۹

^۲ قرآن کریم-سوره اسراء-آیه ۳۳

^۳ قرآن کریم-سوره نساء-آیه ۲۹

فقر و نداری^۱، منع فرو انداختن خویش به کام هلاکت^۲ نیز از مصادیق این احکام جزائی قلمداد می‌گردد که نتیجه آن‌ها حفظ امنیت جانی انسان‌ها خواهد بود.

نباید فراموش کرد، آنگاه که از ضرورت امنیت فردی انسان سخن می‌گوییم، تحقق این مهم در همه ابعاد و شئون زندگی او (اعم از اقتصادی، روانی، شغلی، قضایی، محیط زیست ...) لازم و ضروری است.

به عنوان مثال، امنیت قضایی به عنوان تضمین‌کننده امنیت اشخاص از تعرض و تجاوز دیگران و در امان بودن از صدمات جسمی همچون قتل، ضرب و جرح، توقیف غیرقانونی و شکنجه و نیز صدمات روحی و اعمال منافی شئون و حیثیت انسانی، لازمه وجود امنیت فردی محسوب می‌شود و بدون وجود دستگاه قضایی مقتدر در جامعه که بتواند حافظ جان و مال و ناموس آحاد جامعه باشد، فرض وجود امنیت شخصی غیرمعقول و دست‌نیافتنی است.

^۱قرآن کریم- سوره اسراء-آیه ۳۱

^۲قرآن کریم-سوره بقره-آیه ۱۹۵

مقولهٔ امنیّت علاوه بر حوزهٔ زندگی فردی اشخاص، در حوزهٔ اجتماعی، ملی و بین‌المللی نیز به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم بلکه مهم‌ترین مسئلهٔ جوامع انسانی محسوب می‌شود.

حوزه‌ی نفوذ امنیّت اجتماعی عبارت است از حقوق و فعالیت‌های جمعی افراد جامعه که جنبهٔ خصوصی ندارند. بر این اساس امنیّت اجتماعی موجب فراغت و مصویتی همگانی و فراگیر آحاد جامعه از تهدیدها و رفتار غیرقانونی حکومت و یا کارگزاران او، یا حتّی گروه‌ها و اشخاص خاص می‌گردد.

قرآن کریم تأثیر امنیّت اجتماعی در جامعه را این گونه به تصویر می‌کشد:

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ

فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾

بی توجهی به این نعمت بزرگ الهی، علاوه بر آثار سوء اجتماعی آن، موجب سلب امنیت فردی و ایجاد اختلال در بهره‌مندی انسان‌ها از حقوق شخصی آن‌ها می‌گردد.

در قلمروی یک سرزمین، امنیت ملی به مفهوم فراغت از تهدید (اعمّ از حمله نظامی یا فشارهای سیاسی و اقتصادی) خارجی یا داخلی نسبت به تجزیه کشور، یا از دست دادن قسمتی از جمعیت، ثروت و یا خاک آن سرزمین است که در امنیت اجتماعی و فردی اتباع یک کشور تأثیر مستقیم دارد.

^۱ و خداوند شهری را مثل زند که در امنیت و آسودگی به سر می‌برد و روزی آن از هر سو به خوشی و فراوانی می‌رسید، آنگاه به نعمت‌های الهی کفران ورزید و سپس خداوند به کیفر کار و کردارشان بلای فراگیر گرسنگی و ناامنی را به آنان چشاند. قرآن کریم -سوره نحل - آیه ۱۱۲

همچنین در حوزه بین‌المللی نیز استقرار تعادل میان قدرت‌ها در جامعه بین‌الملل، عدم دست‌یازی دولت‌ها به قلمروی یکدیگر، به مخاطره نیفکندن وضع موجود و دوری از جنگ و درگیری، موجب تحقق امنیت بین‌المللی می‌گردد.^۱

^۱ دانش‌نامه‌ی سیاسی - ص ۳۹

مفهوم امنیت فردی

از نظر لغوی «امنیت» از ریشه «امن» و به معنای در امان بودن است و از منظر دستور زبان؛ ثلاثی مجرد از واژه «امن» است که به مشتقاتی نظیر: استیمان، ایمان، امان و تأمین می‌توان اشاره نمود.

تعریف عام از امنیت نیز عبارت است از احساس آسودگی از دلهره و ترس و عدم اطمینان که منجر به حالتی می‌شود که شخص یا اجتماع در آن احساس اطمینان و آرامش نماید و دچار خوف و هراس نباشد. بر این اساس انسان یا جامعه زمانی از امنیت برخوردار است که در معرض تهدید، خطر، ترس و دلهره نباشد و با فقدان خوف و نگرانی‌ها از آرامش و اطمینان فکری و روحی برخوردار گردد و جسم و روان انسان یا اتحاد اجتماع از هرگونه خطر و تعرضی در امان باشد.

بدیهی است آنگاه که از امنیت فردی یا اجتماعی سخن به میان می‌آید، مفهوم آن این است که شخص یا جامعه در حالت فراغت نسبی در مقابل تهدید و یا تعرض فیزیکی و

روانی قرار دارد و نیروهای تأمین‌کننده‌ی امنیت قادرند تا در مقابل عوامل برهم‌زننده‌ی آرامش و آسودگی مقاومت نمایند و تعرض‌ها را دفع کنند.

باید توجه داشت که مفهوم امنیت مشتمل بر دو بعد سلبی و ایجابی است. بعد سلبی آن عبارت است از فقدان خوف، دلهره و بی‌اطمینانی شخص یا افراد اجتماع، بعد ایجابی مفهوم امنیت عبارت است از وجود اطمینان و آسودگی فکری و روانی شخصی یا جامعه.

مقتضای ابعاد سلبی و ایجابی امنیت آن است که امنیت را علاوه بر بروز و نمود عینی آن، که شامل عدم تهدید و ناامنی می‌باشد، از نظر ذهنی و روانی که بعضی آن را «امنیت پنهان» نام نهاده‌اند، مورد توجه قرارداد. برخی امنیت عینی و فیزیکی را به مثابه جسم و کالبد دانسته‌اند و امنیت ذهنی و روانی را همانند روح آن جسم تعبیر کرده‌اند.

امنیت ذهنی در واقع همان «احساس امنیت» است که اهمیت آن نه تنها کمتر از امنیت عینی نیست، بلکه نیاز به وجود آن در ابعاد فردی و اجتماعی بیشتر و ضروری‌تر است

که در مباحث آتی به دلایل و ریشه‌های امنیت روانی و ذهنی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

تعریف امنیت فردی از دیدگاه حقوق سیاسی عبارت است از حالتی که در آن فرد فارغ از بیم و هراس نسبت به آسیب و صدمه دیدن جان، مال و یا آبروی خویش یا از دست دادن آن‌ها، زندگی می‌کند.^۱

در واقع امنیت فردی آنگاه تحقق می‌یابد که فرد در بهره‌مندی و برخورداری از حقوق و آزادی‌های شخصی خویش مختار باشد و از هرگونه اقدام غیرقانونی و عامل تهدیدکننده‌ی امنیت و آرامش (از قبیل قتل، ضرب و جرح، توهین و هتک حیثیت، حبس و توقیف و تبعید و شکنجه، خسارت و زیان، بهره‌کشی و استثمار، بردگی و بندگی) فارغ باشد.

نکته حائز اهمیت در خصوص واژه امنیت آن است که این واژه مشتمل بر دو مفهوم است: اوّل به مفهوم تحقق واقعی و عینی امنیت و فقدان عوامل تهدیدکننده‌ی آرامش

^۱ داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۳۸ و ۳۹

و آسودگی اشخاص و جامعه، دوّم به مفهوم احساس امنیّت و فقدان تهدید که مفهوم نخست را «امنیت عینی» نام نهاده‌اند و مفهوم دیگر را «امنیت ذهنی» یا «امنیت روانی» خوانده‌اند.

گاه به اشتباه این دو مفهوم یکسان معرفّی شده‌اند، حال آنکه وجه تمایز امنیّت عینی و امنیّت روانی واضح و آشکار است، چنانکه امنیّت عینی ناظر بر وجود یک واقعیّت است که حکایت از ایمن بودن و فقدان عوامل برهم زنده امنیّت و آرامش اشخاص یا جامعه دارد، ولی احساس امنیّت مقوله‌ای مربوط به روانشناسی اجتماعی است و از نوع ادراک و احساس اطمینان نسبت به در امان بودن می‌باشد؛ بنابراین وجود و تحقق امنیّت گرچه مقدمه و پیش‌نیاز احساس امنیّت است، لیکن لزوماً موجب احساس امنیّت نمی‌گردد، بلکه بر عکس ممکن است علیرغم تحقق امنیّت عینی، امنیّت روانی و ذهنی برای اشخاص و یا جامعه ایجاد نشود.

انتشار شایعات بی اساس باهدف ایجاد جنگ روانی در جامعه، نقش مهمی در احساس ناامنی با وجود امنیت دارد و موجب اختلال در امور جامعه و سلطه ناامنی روانی می گردد. نحوه عملکرد حکومت در قبال بی قانونی و ناهنجاری هایی که موجب اختلال در امور فردی و اجتماعی می شود، در ایجاد احساس امنیت یا ناامنی روانی اشخاص و جامعه تأثیر بسزایی دارد. بدیهی است چنانچه آحاد جامعه مشاهده نمایند که حکومت در حمایت و پاسداری از حقوق فردی و اجتماعی آنان، با اختلال کنندگان در امنیت جامعه برخورد مناسب و قاطع دارد و با تمام توان از اتباع خویش پشتیبانی می کند، احساس اطمینان و امنیت می کنند ولو اینکه در عمل امنیت واقعی به طور کامل برقرار نباشد.

بی تردید احساس امنیت به دلایل فوق، از وجود امنیت عینی ضروری تر است، زیرا احساس ناامنی به نوبه خود می تواند موجبات ایجاد ناامنی های بیشتر را در جامعه فراهم آورد و عدم امنیت روانی اشخاص و اجتماع را تشدید نماید.

قلمروی امنیّت

گسترهٔ نیاز انسان‌ها به حدّی وسیع است که: اولاً انسان از قبل ولادت و در طول زندگی در دنیا، حتّی پس از کوچ نمودن به دیار باقی، همواره نیازمند امنیّت است. بدیهی است که احساس ناامنی توسط والدین، به ویژه مادر که حامل نطفه می‌باشد، می‌تواند اثرات سوء و بعضاً غیرقابل جبرانی بر فرزند آنان داشته باشد و امنیّت روانی تأثیر مثبت و سازنده‌ای بر کودک خواهد داشت.

در تمامی لحظات دوران حیات انسان در دنیا، وجود امنیّت از شرایط و لوازم اولیه‌ی زندگی او محسوب می‌شود. حتّی پس از مردن انسان نیز روح او به امنیّت و آرامش نیازمند است و عملکرد صاحب روح در دنیا و یا بازماندگان او می‌تواند موجب امنیّت یا ناامنی روحی او گردد.

ثانیاً احتیاج انسان به امنیّت محدود به زندگی و امور فردی او نیست، بلکه انسان در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی خود به امنیّت و آرامش نیاز دارد و این احساس نیاز مقتضای انتخاب زندگی جمعی انسان است.

ثالثاً نیاز انسان به امنیت منحصر به جسم و بعد مادی حیات او نیست، بلکه روح و روان او به امنیت و آرامش نیازمندتر است، چرا که احساس ناامنی روانی و عدم وجود آرامش معنوی می تواند تأثیر نامطلوبی بر جسم انسان داشته باشد و سلامتی او را به مخاطره افکند، همچنان که ناامنی جسمی نیز در روح و روان انسان مؤثر است؛ بنابراین انسان هم در بعد مادی و هم در بعد معنوی هم زمان نیازمند به امنیت است و برخورداری از آرامش در یکی از ابعاد وجودی انسان کافی نیست.

قرآن کریم جامعه نمونه و کامل را جامعه ای می داند که در آن امنیت در همه ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و معنوی، وجود داشته باشد و از نظر روحی و روانی حالت سکون نفس و اطمینان برای افراد جامعه ایجاد گردد.

از یک سو امنیت مقوله ای است که از ابعاد گسترده ای برخوردار می باشد و مشتمل بر اقسام امنیت، همچون امنیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، ملی و جهانی است و از

سوی دیگر هر انسان در هر یک از شئون زندگی خویش، از جمله حفظ جان، مال، حرفه و شغل، طالب امنیت و آرامش است و آن را بستری برای بهره‌مندی از حقوق فردی و اجتماعی خود می‌داند.

از دیدگاه شریعت اسلام، که علاوه بر توجّه به بعد مادی و جسم انسان، به بعد معنوی وجود او تأکید می‌ورزد، امنیت انسان تنها در حوزه‌های اخلاق یا اقتصاد خلاصه نمی‌شود، بلکه امنیت بشر را در قالب یک ساختار امنیتی متشکّل از اجزاء و مقولات متعدّد و درعین حال مرتبطی می‌داند که در کنار هم می‌توانند موجبات اطمینان و آرامش مادی و معنوی او را فراهم سازند و بر اساس این دیدگاه تعالیم مشخصی برای هر یک از اجزای این ساختار امنیتی مقرر فرموده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف- امنیت عقیده: یکی از مقوله‌های مهمی که در حوزه امنیت فردی مورد تأکید دین اسلام قرار گرفته است، حوزه امنیت عقیده و اندیشه برای تمامی انسان‌هاست.

آزادی عقیده به لحاظ ماهیّتی از حقوقی است که نمی‌توان آن را محدود ساخت، زیرا عقیده و باور اشخاص امری باطنی است و مادام که به مرحلهٔ بیان و تبلیغ نرسیده باشد، زیانی از آن به جامعه نمی‌رسد تا در وضعیّت‌های خاص بتوان آن را محدود و مقید ساخت.

شعار قرآنی «لَا اِكْرَاهَ فِی الدِّیْنِ» بهترین دلیل برای اثبات دیدگاه اسلام در خصوص نفی اکراه و اجبار در پذیرش عقیده و دین خاص توسط انسان‌هاست.

خداوند متعال به پیامبر گرامی‌اش (ص) امر می‌کند تا بشریت را چنین خطاب کند:

قُلْ يَتَّيْبُهُ النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ^ط
فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِ^ط وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا
يَضِلُّ عَلَيْهَا^ط وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ^ط ۱

۱. بگو ای مردم، همانا پیامد شما را حق از جانب پروردگارتان، پس هر که هدایت شود جز این نیست که برای خویشتن هدایت می‌شود و هر کس گمراه گردد، جز این نیست که بر خویش گمراه گشته است و من بر شما وکیل نیستم. قرآن کریم-سوره یونس-آیه ۱۰۸

این واقعیت بارها در کلام الهی مورد تأکید قرار گرفته است که وظیفه و رسالت پیامبران الهی، چیزی جز تبیین راه هدایت و انذار و بشارت به انسان‌ها نیست، حال آنکه انسان می‌تواند این نعمت هدایت را سپاس گوید یا به آن کفر ورزند:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا^۱

خداوند پیامبرش را از محاجّه و ستیز با هدایت نیافتگان بر حذر داشته و چنین می‌فرماید:

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ
وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ^ج فَإِنْ
أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا^ط وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ

^۱ ما انسان را به راه آوردیم، چه سپاسگزار باشد و چه ناسپاس. قرآن کریم-سوره انسان آیه ۳

أَلْبَلَّغُ^۱ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿۲۰﴾

تأکید شریعت اسلام بر ابلاغ حق و تبیین راه سعادت
توسط رسولان الهی است و در نهایت انتخاب طریق سعادت
و ضلالت بعهده انسان‌هاست:

قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ^۲ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ
شَاءَ فَلْيُكْفُرْ... ﴿۲۱﴾

ب- اَمْنِیت بیان: یکی از آزادی‌های بشر، حق بیان
آزادانه افکار و عقاید اوست. آزادی بیان از حقوقی است
که در اسلام از ارزش والایی برخوردار می‌باشد. خداوند

^۱ پس اگر با تو در ستیزند، بگو به سوی خدا روی آوردم و آنکه مرا
پیروی کرد و بگو بدانانکه کتاب داده شوند و قوم بی کتاب آیا اسلام
آوردید؟ پس اگر اسلام آوردند، همانا هدایت یافتند و اگر پشت
کردند، بر تو جز ابلاغ چیزی نیست و خدا به بندگان بیناست. قرآن
کریم-سوره آل عمران- آیه ۲۰

^۲ و پیامبر بگو حق از جانب پروردگار شماست، پس هر کس بخواهد
ایمان آورد و هر که خواهد کافر شود... قرآن کریم-سوره کهف-آیه

متعال به «قلم» به عنوان نماد بیان، نشر افکار و اندیشه‌ها
سوگند یاد می‌کند:

بِـنَّ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿۱﴾

از نظر اسلام آزادی بیان نه تنها یک حق بشری محسوب
می‌شود، بلکه به عنوان یک تکلیف بر عهده انسان‌هاست.
خداوند متعال پیامبر خویش را چنین مورد خطاب قرار
می‌دهد:

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ
ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۲﴾

بی‌تردید انسان برای اعمال حق آزادی بیان خویش
نیازمند امنیت است، در غیر این صورت هر شخص ممکن

^۱ سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند. قرآن کریم - سوره قلم - آیه ۱

^۲ بخوان به سوی راه پروردگار خویش با حکمت و پند نیکو و مجادله
کن با ایشان بدان‌چه نیکوتر است. همانا پروردگار تو داناتر است بدان
که از راه او گم شده است و اوست داناتر به هدایت‌شدگان. قرآن کریم
- سوره نحل - آیه ۱۲۵

است به دنبال بیان و ابراز افکار و اندیشه‌هایش مورد تعقیب و پیگرد حکومت و یا اشخاص دیگر قرار گیرد و امنیت جانی، روانی و یا سایر اقسام امنیت فردی او مورد تعرض و خطر واقع شود.

البته توجه به این نکته حائز اهمیت است که بر خلاف آنچه در امنیت عقیده بیان کردیم، آزادی بیان مقوله‌ای نیست که بتوان برای آن امنیت مطلق و نامحدود اعمال کرد، زیرا حق بیان و نشر افکار و اندیشه‌ها از دیدگاه اسلام تا آنجا مورد حمایت و پشتیبانی است که: اولاً موجب تجاوز به حقوق دیگران نباشد ثانیاً با حقوق عامه و مصالح جامعه تضاد و تغایر نداشته باشد. ثالثاً ارزش‌های اعتقادی جامعه را مورد هجوم و حمله خویش قرار ندهد. رابعاً مغایر با ارزش‌های اخلاق حسنه نباشد.

بدیهی است محدودیت‌های مزبور به هیچ وجه از اهمیت و ارزش امنیت بیان نمی‌کاهد، بلکه موجب می‌گردد تا آزادی بیان در راستای ارزش‌ها و موازن اعتقادی و اخلاقی

جامعه و در جهت تعالی و بالندگی فردی و اجتماعی اعمال شود.

ج - امنیّت آبرو: بی‌تردید یکی از دارایی‌های معنوی انسان که از دیدگاه اسلام دارای اهمیّت و ارزش ویژه‌ای می‌باشد، امنیّت آبرو و حیّیت اشخاص است. در تعالیم اسلام حرمت آبروی یک انسان در حدّ حرمت خون و حیات اوست.

اعتبار و منزلت انسان از مؤثرترین و مهم‌ترین عواملی است که زندگی سعادت‌مندانه و شرافتمندانه او را به ارمغان می‌آورد و سبب تعالی و بالندگی شخصیّت او در حوزه زندگی فردی و اجتماعی می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام (ص) انسان‌ها را به حفظ حرمت و صیانت از عرض و آبروی یکدیگر امر فرمود و در خطبه‌ی «مجة الوداع» خویش چنین مسلمانان بلکه همه انسان‌ها را خطاب نمود: (ای مردم، چنانکه این روز-ایام حج-و این شهر-مکه مکرمه-محترم است، خون و آبروی شما هم

محترم است. حقّ ریختن خون و آبروی یکدیگر را ندارید تا آنگاه که به دیدار خداوند نایل گردید).

بدیهی است که صیانت از آبروی هر انسان و امنیّت بخشیدن به شخصیت و اعتبار فردی و اجتماعی او، علاوه بر اینکه تکلیف دیگران و حکومت است، شخص انسان نیز وظیفه دارد تا از حریم امنیّت حیثیّت و آبروی خویش حفاظت کند و موجب هتک حیثیّت و اعتبار خود نگردد.

د- امنیّت حریم زندگی: زندگی خصوصی اشخاص می‌بایست از امنیّت و بی‌بیمی برخوردار باشد و سایهٔ تعرّض و حضور دیگران و یا حکومت، بر حریم زندگی انسان‌ها حکم‌فرما نباشد تا از ترس دخالت و تجاوز بیگانه به قلمروی حریم خصوصی آنان، احساس ناامنی کنند.

شریعت اسلام مؤکداً هرگونه تجسّس در امور خصوصی اشخاص را ممنوع می‌سازد و چنین امر می‌کند:

...وَلَا تَجَسَّسُوا... ﴿۱۰۰﴾

^۱ و در امور دیگران تجسّس و کنکاش نکنید... قرآن کریم-سوره

قرآن کریم از ایمان آوردگان چنین خواسته است که از ورود به خانه‌های دیگران بدون آشنایی دادن و سلام نمودن بر ساکنین آن‌ها خودداری نمایند:

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُيُوْتًا غَيْرَ بُيُوْتِكُمْ
حَتّٰى تَسْتَاْذِنُوْا وَتُسَلِّمُوْا عَلٰى اَهْلِهَا ۚ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ﴿٢٧﴾

سرکشی یا ورود نامتعارف به خلوت و محل سکونت دیگران در شریعت اسلام مذمت و نهی گردیده است و مسلمان به رعایت آداب ورود به مسکن دیگران توصیه شده‌اند:

وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَاْتُوْا الْبُيُوْتَ مِنْ ظُهُوْرِهَا وَلٰكِنْ
الْبِرُّ مَنْ اَتَقٰ ۚ وَاتُوْا الْبُيُوْتَ مِنْ اَبْوَابِهَا ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿٢٨﴾

۱ ای آنان که ایمان آوردید، به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خویش وارد نشوید تا آشنا شوید و سلام کنید بر اهلیش. این بهتر است برای شما، شاید یادآورید. قرآن کریم-سوره نور- آیه ۲۷

این گونه دین اسلام به سکون و آرامش انسان‌ها در خلوت گاه و منازلشان ارج و اعتبار بخشید و از حریم شخصی آن‌ها در برابر مداخله و حضور دیگران صیانت نمود:

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا ... ﴿۸۰﴾

ه- امنیت مالکیت: ارزش و احترام شریعت اسلام به مالکیت خصوص اشخاص که ناشی از منابع درآمدی صحیح و مشروع باشد، از امتیازات دین اسلام است. اسلام تکاثر ثروت و وابستگی نامتعارف به مال و ظواهر دنیوی را نکوهش می‌کند، ولی برای مالکیت مشروع انسان‌ها که از شیوه‌های ناصحیح همچون قمار، سرقت، تقلّب در معاملات، ربا، احتکار، کم فروشی، غصب حقوق

^۱ و نیست نکوئی که به خانه‌ها در آید از پشت آن‌ها، بلکه نکوکار آن است که پرهیزکاری کند و به خانه‌ها در آید از درگاه‌های آن‌ها و بترسید خدا را، باشد رستگار شوید. قرآن کریم-سوره بقره-آیه ۱۸۹

^۲ و خداوند قرارداد برای شما از خانه‌هایتان آرامش گاهی... قرآن کریم-سوره نحل-آیه ۸۰

دیگران و نظایر آن‌ها فراهم نیامده باشد، ارزش ویژه‌ای قائل است، به ویژه مالکیت حاصل از کار و کسب و تلاش اشخاص که مشروع‌ترین طریق تحصیل ثروت دانسته شده است.

امنیت مالکیت آحاد جامعه در حقوق اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. پیامبر گرامی اسلام در روایات متعددی فرموده‌اند: (حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون اوست).

در خطبه «حجة الوداع» نیز رسول اکرم (ص) چنین فرمودند: (خون مسلمان و مال او دارای احترام است).

عمق توجه شریعت اسلام به مسئله امنیت مالکیت آن‌گاه قابل درک است که به این فرموده پیامبر اسلام (ص) توجه شود که اعلام نمود: (کسی که در مقام دفاع از مال خویش کشته شود، شهید محسوب می‌شود).

بدیهی است محدوده امن برای مالکیت خصوصی از دیدگاه اسلام مشروط به رعایت و احترام به حقوق و امنیت دیگران و جامعه می‌باشد و بعلاوه اعمال حق مالکیت

می‌بایست با رعایت موازین و اصول مقرر در تعالیم دینی از قبیل منع اسراف و تبذیر صورت پذیرد.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که مقوله امنیت در مالکیت علاوه بر اینکه شامل رعایت حق مالکیت اشخاص نسبت به اموالی که از طریق مشروع تحصیل نموده باشند می‌شود، حق تصرف و انتفاع آنان در اموالی که در مالکیتشان باشد نیز از اهمیت برخوردار می‌باشد؛ زیرا حق تصرف در مال جزئی از مالکیت صاحب آن قلمداد می‌شود. در حقوق جزای اسلام راهکارهای خاصی برای تأمین امنیت مالکیت منظور گردیده است که برخورد قاطع با پدیده سرقت به عنوان نماد ناامنی نسبت به اموال اشخاص از آن جمله است. قرآن کریم در بیان حد سرقت چنین می‌فرماید:

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءُ بِمَا
كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^۱

تأکید بر مسئله ردّ امانت در تعالیم اسلام، به عنوان نماد
پاک دستی و صداقت از تدابیر شریعت اسلام برای ایجاد و
استمرار امنیّت مالکیّت در جامعه است. فرمان الهی در
رعایت امانت چنین است:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...^۲

خداوند متعال در بیان اهمیّت صفت امانت‌داری و عدم
تعّدی نسبت به اموال دیگران، آن را از مصادیق تقوای الهی
محسوب نموده و فرموده است:

^۱ و دست‌های مرد دزد و زن دزد را ببرید، کیفری بدان چه خود فراهم
کردند، شکنجه‌ای از نزد خدا و خداست عزّتمند حکیم. سوره مائده -

آیه ۳۸

^۲ همانا خداوند فرمانتان دهد که بازگردانید امانت‌ها را به اهل آن‌ها.

قرآن کریم - سوره نساء - آیه ۵۸

فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ

أَمْنَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ... ﴿٢٨٣﴾^۱

بالآخره پروردگار حکیم ایمان آوردگان را از خیانت در امانت که موجب بروز ناامنی در مالکیت اشخاص می شود بر حذر می دارد و آن را در حکم خیانت به خدا و رسولش معرفی می فرماید:

يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا

أَمْنَتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٣﴾^۲

^۱ ... و اگر بسیاری یکی از شما به دیگری، پس باید تأدیه نماید آن کس که به دستش امانت سپرده شده و باید تقوای الهی پیشه سازد پروردگار خویش را ... قرآن کریم - سوره بقره - آیه ۲۸۳

^۲ ای کسانی که ایمان آورده اید، آگاهانه به خداوند و پیامبر و در امانات خود خیانت مکنید. قرآن کریم - سوره انفال - آیه ۲۷

نقش دین در تأمین امنیت فردی

گاه تصور می‌شود که تعالیم دینی تنها برای زندگی اخروی انسان‌هاست و ادیان الهی به بُعد مادی زندگی بشر توجهی ندارند؛ حال آنکه توجه به آموزه‌های دینی آشکار می‌سازد که همه ادیان ابراهیمی در تعالیم خویش به هر دو بعد مادی و معنوی انسان پرداخته‌اند و به او آموخته‌اند که چگونه زندگی کند تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند باشد.

در منطق شریعت اسلام، دنیا مزرعه آخرت است و بر این مبنا انسان می‌بایست در دنیا به نحوی زندگی کند که بتواند توشه‌ای برای آخرت خویش برگیرد و در آن سرای آسوده باشد.

جامعیت ادیان الهی در آن است که پیروان خویش را تنها به اعمال باطنی هدایت نمی‌کنند، بلکه آموزه‌های دین مشتمل بر اعمال ظاهری و باطنی است که دین‌داران مکلف به رعایت و اجرای همه آن‌ها هستند.

از طرفی اهمیت مقوله امنیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان به حدی است که ادیان ابراهیمی نمی‌توانند

نسبت به آن بی تفاوت باشند، بلکه برای تأمین آن در تعالیم خویش راهکارها و رهنمودهای عملی ارائه نموده‌اند، زیرا بدون وجود امنیت، انجام تکالیف و ایفای مسئولیت‌هایی که برای انسان در نظر گرفته شده است، ممکن نمی‌گردد.

هدف دین سعادت و تعالی انسان است و این هدف جز در سایه امنیت برای انسان حاصل نمی‌شود.

نقش دین در تأمین امنیت فردی و اجتماعی بشر ابعاد مختلفی دارد که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌کنیم:

۱- از دیدگاه ادیان الهی حاکمیت مطلقه متعلق به خداوند است و هیچ قدرت و حاکمیتی جز به خواست و مشیت او وجود ندارد.

حاکمیت انسان از حاکمیت الهی منشأ می‌گیرد و به عنوان خلیفه و جانشین خداوند در زمین قرار داده شده است. بر این اساس «امنیت» نیز از خداوند متعال منشأ می‌گیرد و جز با اراده و اذن او انسان‌ها به امنیت و آرامش مادی و معنوی نخواهند رسید.

۲- وجود عنصر «باور» و «ایمان» در انسان مؤمن و آشنا با تعالیم و آموزه‌های دینی، سبب می‌شود که او در اعمال و رفتار خویش دقت کند و از هرگونه اقدام و رفتاری که موجب تعدی و تجاوز به جان، مال و یا ناموس اشخاص دیگر گردد، پرهیز نماید و اعمال خویش را در چارچوب اوامر و نواهی الهی قرار دهد و از رهگذر این خود کنترلی و مراقبت درونی، دیگر اشخاص جامعه نیز از امنیّت و آسودگی برخوردار گردند و از هرگونه تعرض و مداخله نابجا مصون و محفوظ بمانند.

۳- آموزه‌های دینی نه تنها انسان را به مراقبت بیرونی و کنترل رفتار با دیگران فرامی‌خواند، بلکه او را مکلف به تزکیه نفس و پرداختن به درون خویش می‌داند، لذا انسان دین‌دار در خلوت خود نیز از اوامر و نواهی دین تخلف نمی‌ورزد، هم‌چنان که در جلوت و حضور دیگران پاسدار باورها و مسئولیّت‌های خویش است.

بی‌تردید آثار مربوط به تزکیه و خودسازی و مراقبت درونی که مورد تأکید ادیان الهی است، در مراقبت بیرونی و

کنترل رفتار انسان در جامعه پدیدار می‌شود و نتیجه آن ایجاد امنیت و آرامش برای دیگران و جامعه خواهد بود.

۴- در وجود انسان غرائز گوناگونی وجود دارد که عدم کنترل و تعادل در آنها موجب سرکشی و طغیان انسان می‌شود و ناامنی همواره ناشی از غلبه غرایز بر انسان‌هاست. یکی از رسالت‌های مهم ادیان الهی، هدایت انسان‌ها در جهت سلطه بر غریزه‌های مادی و رعایت اعتدال در بهره‌گیری از آنها در راستای تعالی انسان است.

در تعالیم اسلام راهکارهای اجرایی برای کنترل غرائز انسانی و جلوگیری از طغیان آنها پیش‌بینی شده است که مراعات این آموزه‌ها سبب می‌گردد تا امنیت و آرامش در جامعه برقرار شود و همه آحاد جامعه اسلامی با احساس امنیت زندگی کنند که به عنوان مثال به تأکید دین اسلام بر مسئله ازدواج به عنوان راهکار کنترل غریزه جنسی جوانان^۱، تشویق و ترغیب مسلمانان به انفاق و کمک به دیگران و

^۱قرآن کریم- سوره نور- آیه ۳

پرداخت زکات و خمس و کفّارات باهدف کنترل و مهار غریزه مال دوستی و ثروت اندوزی، می توان اشاره کرد. هدایت صحیح غرائز انسان ها توسط دین و بازداشتن انسان ها از گناه و انحرافات اجتماعی زمینه ساز امنیت است.

۵- چنان که پیش تر اشاره شد، انسان مؤمن همان گونه که در ظاهر و حضور فیزیکی دیگران به احکام و اوامر دینی عمل می کند، در خلوت خویش نیز خود را ملزم به رعایت تکالیف دینی می داند، زیرا باور دارد که:

- فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٦٨﴾

- مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾

^۱ پس هر کس همسنگ ذره ای عمل شایسته انجام داده باشد، پاداش آن را می بیند و هر کس همسنگ ذره ای عمل ناشایسته انجام داده باشد کیفر آن را می بیند. قرآن کریم-سوره زلزال-آیات ۷ و ۸

^۲ سخنی به زبان نمی آورد، مگر آنکه نگهبان حاضر و ناظری نزد اوست. قرآن کریم-سوره ق-آیه ۱۸

- يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ^۱

مبتنی بودن عملکرد و رفتار انسان با ایمان بر باورها و ارزش‌های اعتقادی او سبب می‌شود که از هرگونه انحراف و تعرض به حقوق و امنیت دیگران که مغایر با ارزش‌های دینی و اعتقادی اوست، خودداری نماید و به حقوق دیگر اشخاص جامعه به صورت واقعی و با اعتقاد و ایمان احترام بگذارد.

۶- یکی از آثار و نتایج بهره‌گیری از قوانین اجتماعی که توسط انسان‌ها وضع و مقرر می‌شود، برقراری امنیت نسبی و مقطعی است، زیرا این مقررات ساخته بشر است و از پشتوانه محکم و استواری برخوردار نمی‌باشد، حال آنکه ثمره بهره‌گیری از قوانین دینی و الهی امنیت پایدار و مستمر را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد، چرا که مقررات و تعالیم دینی از پشتوانه معنوی و اعتقادی برخوردار است و این

^۱ خداوند خیانت چشم‌ها و آنچه دل‌ها پنهان می‌کند، می‌داند. قرآن

عامل می‌تواند سبب استواری و دوام امنیت فردی و اجتماعی گردد و عوامل تنش‌زا و تشنج‌آفرین را از بین ببرد.

۷- یکی از وجوه تمایز بین قوانین الهی و قوانینی که حاصل قراردادهای اجتماعی انسان‌هاست، این است که افراد مؤمن و دین‌دار در اجرای قوانین آسمانی و تعالیم الهی متوسل به قانون‌گریزی نمی‌شوند و رعایت اوامر و نواهی دین را به عنوان تکلیف و وظیفه خویش می‌دانند، ولی قوانین اجتماعی که دست‌ساز بشر است همواره با پدیده قانون‌گریزی مواجه می‌شود و اشخاص با بهره‌گیری از خلأهای نظارتی و کنترلی مبادرت به تخلف و نقض قوانین می‌کنند. به همین جهت بسیاری از جرائم و گناهان که به صورت جمعی و گروهی انجام می‌شود و قابلیت شناسایی و تعقیب مرتکبین آن وجود ندارد، با توسل به آموزه‌ها و باورهای دینی افراد جامعه تحقق پیدا نمی‌کند و موجب امنیت فرد و جامعه می‌گردد.

۸- قوانین الهی که در تعالیم شریعت به انسان‌ها عرضه گردیده است، با طبیعت و آفرینش بشر کاملاً منطبق و

هماهنگ می‌باشد، زیرا این قوانین از جانب پروردگاری مقرر گردیده است که خالق و آفریننده انسان است و به ابعاد و ظرفیّت‌های وجودی او از خود انسان آگاه‌تر است.

در مقابل، قراردادهای اجتماعی و قوانین بشری به لحاظ عدم انطباق بایسته با ابعاد و طبیعت انسان، از جامعیت لازم برخوردار نمی‌باشد، به همین لحاظ اجرای قوانین الهی در ابعاد فردی و اجتماعی آن دارای جایگاه واقعی و طبیعی است و در جامعه اسلامی قانون‌گریزی گناه و طغیان محسوب می‌شود و هیچ مسلمانی حق ندارد، از اجرای قوانین الهی تخلف نماید و موجب ناامنی دیگران و جامعه گردد.

۹- انسان‌های مؤمن و دین‌دار در تمامی لحظات زندگی و حیات خویش، خود را در محضر خداوند متعال می‌دانند و باور دارند که در هیچ برهه و لحظه‌ای از نظارت حافظان الهی و حضور پروردگار دور نخواهند بود و همواره حرکات و اعمال آن‌ها توسط موکلین الهی ثبت و ضبط می‌شود.

اهمیت این باور آن است که هیچ‌گاه انسان معتقد و مسلمان به خود اجازه نمی‌دهد تا از فرامین الهی تخلفی و تخلف نماید و آرامش دیگران را خدشه‌دار سازد و نتیجه آن پیشگیری از ارتکاب جرائم و بزه‌کاری در جامعه و تأمین امنیت فردی و اجتماعی است.

۱۰- نقش شخصیت‌های دینی در هدایت و راهنمایی آحاد جامعه از اهمیت و تأثیر بسزایی برخوردار است. عالمان و اندیشمندان دینی مبلغ ارزش‌ها و معارف دینی به افراد جامعه هستند و به آن‌ها تعلیم می‌دهند تا هنجارهای صحیح و رفتارهای منطبق با قوانین و آموزه‌های الهی را فراگیرند و بکار بندند تا انحراف و کج‌روی در جامعه ایجاد نشود.

در واقع وجود امامان و شخصیت‌های دینی، علاوه بر انتقال صحیح تعالیم و ارزش‌های الهی، موجب کنترل درونی در جامعه دینی می‌شود و امنیت شخصی و اجتماعی را بیار می‌آورد.

۱۱ - تأثیر عبادات در ایجاد و حفظ امنیّت فردی و اجتماعی حائز توجه است. عبادات موجب می شود که انسان ها به خداوند تقرّب یابند و هر قدر رابطه انسان ها با خدا مستحکم تر و نزدیک تر گردد، انحراف آن ها از هنجارهای صحیح و مبادرت به ارتکاب جرم و بزه کاری کمتر می شود و بسترهای ایجاد چالش و ناامنی در جامعه از بین خواهد رفت.

قرآن کریم تأثیر نماز به عنوان برترین عبادت و نماز تقرّب و رابطه با خداوند را چنین بیان می کند:

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ
اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۱۵﴾

^۱ آنچه از کتاب آسمانی که بر تو وحی شده است، بخوان و نماز را بر پا دار که نماز از ناشایستی و زشت کاری بازمی دارد و یاد کرد خداوند از هر کاری مهم تر است و خداوند می داند که چه می کنی. قرآن کریم -

سوره عنکبوت - آیه ۴۵

بی‌شک کاهش فحشا و منکر می‌تواند ضامن امنیت و آرامش فرد و جامعه باشد و زمینه‌های ناامنی را از بین ببرد.

۱۲- نمادهای ماندگار دینی، به عنوان سمبل‌های امنیت مورد نظر ادیان ابراهیمی، بیانگر اهمیت مقوله امنیت نزد ادیان الهی است.

بنیان نهادن خانه کعبه، به عنوان مقدس‌ترین مکان، حرم امن و نماد امنیت نام گرفته است:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا قَامَ إِبْرَاهِيمُ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا... ﴿١٧﴾

ابراهیم خلیل (ع) آنگاه که به امر الهی خانه کعبه را بنا نهاد و اهل خانواده‌اش را در آن بیابان سکنی داد، از

^۱ نخستین خانه‌ای که برای عبادت مردمان نهاده شد، آن است که در مکه بنا شده است و مبارک و رهنمای جهانیان است. در آن شگفتی‌های آشکار از جمله مقام ابراهیم است و هرکس که وارد آن شود در امان است... قرآن کریم-سوره آل عمران-آیات ۹۶ و ۹۷

پروردگار خویش طلب کرد تا آن دیار را نماد امتیّت و آرامش قرار دهد:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا
وَأَجْنِبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّا صَنَامًا^۱

این نماد بزرگ معنوی، نعمتی است که پس از ناامنی و جاهلیّت سیاه مردم آن دیار، به تمامی انسان‌ها عطا گردیده است:

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ
مِنْ حَوْلِهِمْ^۲ أَفَبِالْبِطْلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ



^۱ و چنین بود که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر را حرم امن بگردان و مرا و فرزندانم را از پرستش بتان دور بدار. قرآن کریم -سوره ابراهیم- آیه ۳۵

^۲ آیا ندانسته‌اند که ما حرمی امن (کعبه) قرار دادیم و حال آنکه مردمان را در پیرامونشان تاراج می‌کردند و می‌ربودند، آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت الهی کفر می‌ورزند. قرآن کریم -سوره عنکبوت- آیه ۶۷

۱۳- در همه ادیان ابراهیمی، مسئله حرمت و حریم‌ها به عنوان جزئی از تعالیم الهی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است.

رعایت حریم خصوصی و شخصی دیگران و عدم مداخله و حضور ناخواسته و نابجا در خلوت اشخاص، از مهم‌ترین مصادیق امنیت فردی است که همه دین‌داران به مراعات و حفظ این حریم مقدس و عدم تلاش برای تجسس در امور دیگران و یا کسب خبر و یا افشای اسرار آنان مکلف شده‌اند و برای آنان که از حفظ حرمت دیگران (که به تعبیر پیامبر گرامی اسلام (ص) از حرمت کعبه نیز بالاتر است) پاسداری نمی‌کنند و حریم اشخاص را پاس نمی‌دارند، جزای دنیوی و اخروی پیش‌بینی و مقرر گردیده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دست او در امان باشند و در فرمایش دیگری فرموده‌اند: شخص با ایمان کسی است که

سایر انسان‌ها جان و مال و خونشان از او در امنیّت و آسایش
باشد.^۱

اسلام و امنيت فردی

اهمیت و ضرورت وجود امنیت، به عنوان نیاز مبرم بشر پس از حق حیات و عامل مهم در تکامل انسان‌ها، اقتضا دارد که هیچ مکتب و یا نظام حقوقی نسبت به مقوله امنیت فردی یا اجتماعی اشخاص بی تفاوت نباشد و در خصوص این موضوع مهم احکام و مقررات روشن و مقتضی ارائه نماید. ادیان الهی و توحیدی امنیت را در رأس نیازها و خواست‌های بشری دانسته‌اند. قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا
وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ 

خداوند متعال نیز کعبه - خانه خویش - را نماد امنیت برای انسان‌ها مقرر فرمود:

^۱ و هنگامی که حضرت ابراهیم گفت: پروردگارا این را شهرستانی امن قرار ده و روزی ده اهلش را از ثمرات، آنکه به خداوند ایمان آورده است و به روز باز پسین ... قرآن کریم - سوره بقره - آیه ۱۲۶

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا
وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ
وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ... ﴿٩٧﴾

شریعت اسلام به عنوان یک نظام حقوقی که جامع
بهترین و کارآمدترین راه حل ها برای تمامی نیازهای فردی و
جمعی انسان هاست و برای همه مقوله های مربوط به زندگی
بشری (اعمّ از زمینه های فردی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی و
سیاسی) در هر زمان و مکان، احکام و قوانین جامعی ارائه
نموده است، در این خصوص نیز مقررات و احکام کاملی
عرضه داشته که تجزیه و تحلیل آنها اهمیّت امنیّت انسان ها
در ابعاد فردی و اجتماعی و راهکارهای تحقّق و صیانت از
این حقّ مسلم بشری را از دیدگاه اسلام نمایان می سازد و
وجه تمایز این احکام را با آنچه در ادیان پیش از خود و

^۱ نخستین خانه ای که برای مردم نهاده شده، آن است که در مکه بنا
گردیده است که مبارک و راهنمای جهانیان است. در آن شگفتی های
آشکار از جمله مقام ابراهیم است و هر کس بدان وارد شود در امنیّت
است. قرآن کریم-سورة آل عمران- آیات ۹۶ و ۹۷

سایر نظام‌ها و مکاتب حقوقی موجود در این زمینه مقرر شده است، آشکار می‌نماید.

از دیدگاه اسلام اهمیت برخورداری انسان‌ها از حق امنیت حتی از مقوله‌ی عدالت، که به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی شریعت اسلامی معرفی شده است، بیشتر و بالاتر است؛ زیرا استقرار عدالت بدون وجود امنیت و برقراری آرامش امکان‌پذیر نمی‌باشد.

دین اسلام امنیت را به عنوان نعمتی خداداد شناسایی و معرفی می‌کند، قرآن کریم می‌فرماید:

... أَوَلَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجَبَّى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ
كُلِّ شَيْءٍ رَزَقًا مِّنْ لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ



اسلام با توجه به اصل کرامت و ارزش والای انسان (به عنوان اشرف مخلوقات الهی) بر حفظ حرمت و رعایت

^۱ آیا در حرم امنی فرمانروایی‌شان ندادیم که به سویس میوه‌های همه چیز آورده شود، روزی از نزد ما؟! لیکن بیشترشان نمی‌دانند. قرآن

کریم-سوره قصص-آیه ۵۷

اَمْنِیت فردی او تأکید ورزیده است. امیرالمؤمنین علی (ع) اَمْنِیت را گواراترین نعمت‌ها، مایه رفاه زندگی و از اهداف حکومت اسلامی معرفی نموده است.

خداوند متعال ایمان آوردگان و نیک کرداران را این گونه به اَمْنِیت بشارت فرموده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...^۱

قرآن کریم همچنین اَمْنِیت را به عنوان بالاترین پاداش اخروی برای متقین مقرر داشته و در بهشت جاودان آنان را چنین خطاب می‌دهد:

^۱ خداوند وعده داده است آنان را که ایمان آوردند از شما و کردار شایسته کردند که جانشین گردانده‌شان در زمین، چنانکه جانشین گردانید آنان را که پیش از ایشان بودند و هر آینه فرمانروا گرداند برای ایشان دینشان را که پسندید برای ایشان و همانا بدیشان دهد پس از ترسشان اَمْنِیت را... قرآن کریم-سوره نور-آیه ۵۵

ادْخُلُوهَا بِسَلَمٍ ءَامِنِينَ ﴿١﴾

در کلام الهی مقربان درگاه ربوبی مستحق پاداش مضاعفی هستند که این پاداش جز امانیت و آرامش نیست:

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ
إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءٌ
الزَّعْفُ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ ءَامِنُونَ ﴿٢﴾

بی‌تردید امانیت اخروی مرهون اطاعت از خداوند و تسلیم در برابر اوست و آنان که راه الحاد و کفر را برگزینند، در عالم آخرین از امانیت برخوردار نخواهند بود.^۳

^۱ و در آیندش به سلامت بر آسودگان. قرآن کریم-سوره حجر-آیه ۴۶
^۲ و نیستند مال‌های شما و نه فرزندان شما که نزدیک گردانید شما را نزد ما جایگاهی نزدیک، مگر آنکه ایمان آورد و کردار شایسته کرد که آنان‌راست پاداش دو برابر بدان چه کردند و آنانند در کاخ‌ها آرمیدگان و در امانیت. قرآن کریم-سوره سبأ - آیه ۳۷.

^۳ قرآن کریم-سوره فصلت- آیه ۴۰

از دیدگاه اسلام، فقدان امنیت نشانه حکومت ظلم است و ناامنی حربه دشمنان برای ایجاد فساد در جامعه معرفی شده است:

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ
الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ^۱

از منظر حقوق اسلامی، امنیت جانی آحاد جامعه یکی از نعمت‌های خاص الهی و برجسته‌تر از سایر نیازهای فردی انسان محسوب گردیده است.

آنچه دیدگاه غرب و شریعت اسلام را در زمینه امنیت متمایز می‌گرداند، وجود دو اختلاف اساسی در مبنای امنیت فردی و قلمروی آن است.

از نظر شریعت اسلام، رعایت امنیت فردی تنها یک حق سیاسی تلقی نمی‌شود، بلکه حق امنیت به عنوان یک حق طبیعی و مبتنی بر باورها و اعتقاد دینی اشخاص و کارگزاران

^۱ و هرگاه پشت کند، بکوشد در زمین تا در آن فساد کند و کشت و نژاد را نابود سازد و خداوند فساد را دوست ندارد. قرآن کریم -سوره بقره-

حکومتی است و اصل حق به هیچ‌وجه نتیجه تصویب قانون یا کنوانسیون بین‌المللی نیست.

همچنین مقوله امنیت در تعالیم اسلامی به عنوان امری مطلق دانسته نمی‌شود، بلکه امنیت فردی امری نسبی است و از معیارهای اساسی آن رعایت و حفظ امنیت اجتماعی حقوق عامه، اخلاق حسنه و ارزش‌های مورد قبول و احترام جامعه معرفی گردیده است.

از دیدگاه اندیشه اسلامی، امنیت شخصی برای انسان‌ها به مفهوم شناسایی و پایداری اصالت و هویت فردی او در قبال خویش، خداوند جهان و هستی است و فقدان آن به مفهوم ایجاد تزلزل و ناپایداری شخصیت و هویت انسانی اوست و نتیجه آن چیزی جز ایجاد بحران هویت برای انسان در برابر نظام آفرینش نیست.

امنیت و توسعه

اهمیت وجود امنیت به عنوان یک حق بنیادی و نقش حساس و بسزای آن در سعادت‌مندی فردی و اجتماعی بشر و تأثیر آن بر همه ابعاد زندگی انسان در زمینه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و قضایی و غیر آن، مبنای اهتمام و تلاش انسان‌ها در جهت گسترش و توسعه این حق است و اشخاص برای نیل به این هدف مشکلات و سختی را به جان خویش می‌خرند.

بی‌تردید امنیت به عنوان یکی از حقوق شهروندی، زیرساخت و بستر محکم و مناسبی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه محسوب می‌شود و با وجود آن زمینه برای بهره‌برداری از استعدادها و امکانات بالقوه و سایر حقوق مادی و معنوی انسان‌ها در بعد فردی و اجتماعی و حتی در حوزه جامعه بین‌الملل فراهم می‌گردد و فقدان آن عامل منفی و تأثیرگذار در جهت اخلال در روند گسترش حقوق و آزادی‌ها و امکان بهره‌مندی از منابع و امکانات و نیز مانع بالندگی و شکوفای فرد و جامعه خواهد بود.

در واقع امنیت در ابعاد مختلف پیش شرط، مقدمه و پیش‌نیازی برای توسعه همه‌جانبه و فراگیر فردی و اجتماعی تلقی می‌شود و چنانچه بر تاریخ زندگی و حیات بشر مرور کنیم، درمی‌یابیم که از دیرباز تا زمان حاضر، امنیت منشأ تحولات فراوان و گسترده‌ای در حیات انسان بوده و هست و هیچ تحول و دگرگونی مهمی بدون وجود امنیت رخ نداده است.

ترس و نگرانی، به عنوان نشانه فقدان امنیت، مانعی برای دستیابی فرد یا جامعه به مقاصد آرمانی یا مطلوبش شناسایی می‌شود و در همه مقاطع تاریخی مقوله تأمین امنیت چالشی جدی برای همه انسان‌ها و جوامع در مقابل دیگران و یا حکومت‌های خویش محسوب گردیده است.

اهمیت وجود مؤلفه‌ی امنیت در سعادت بشر، که به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی به عنوان دومین مؤلفه برای تعالی و بالندگی انسان‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است، انگیزه و سبب گردیده است تا انسان‌ها زندگی جمعی و مدنی را بر زندگی فردی ترجیح دهند، به تأسیس

حکومت و دولت همّت گمارند و با تأسیس نظام قضایی جامعه، با عوامل بر هم زننده امنیت که مانع توسعه و گسترش حقوق و آزادی‌های مردم می‌شوند، به صورت سازماندهی شده و منسجم مقابله نمایند و در نتیجه بستری برای توسعه فرهنگی، علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم گردد.

توجه به امنیت فردی نقطه آغازین برای پرداختن به امنیت اجتماعی و گستره تعامل آحاد جامعه با دولت و حکومت است و با مقوله‌های سیاسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی ارتباط تنگاتنگ دارد.

قرآن کریم اهمیت امنیت به عنوان بستر و زیربنای پیشرفت و توسعه را با ذکر مثالی چنین بیان می‌کند:

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا

يَصْنَعُونَ^۱

بنای خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم (ع) در بیابان خشک و فاقد زرع و آبادانی، توسعه و عمران آن سرزمین در سایه امنیت و آرامش، نمادی از تأثیر بسزای امنیت در توسعه و دستاوردهای بشری است.^۲

تأثیر امنیت در رشد مادی و معنوی انسان‌ها مخصوص مسلمانان نیست، بلکه غیرمسلمانان نیز در سایه امنیتی که خداوند برای سرزمین‌های اسلامی مقرر می‌دارد، از این نعمت بهره‌مند خواهند بود، گرچه به تصریح قرآن کریم کافران از نعمت امنیت به قدر اندک بهره خواهند برد.^۳

^۱ و خداوند اهل شهری را مثل زند که در امنیت و آسایش بسر می‌برند و روزی آن از هر سو به خوشی و فراوانی می‌رسید، آنگاه به نعمت‌های الهی کفران ورزید و سپس خداوند به کیفر کار و کردارشان بلای فراگیر گرسنگی و ناامنی را به آنان چشانید. قرآن کریم -سوره نحل -

آیه ۱۱۲

^۲ قرآن کریم -سوره بقره- آیه ۱۲۵

^۳ قرآن کریم -سوره بقره- آیه ۱۲۶

باید توجّه داشت که امنیّت و توسعه تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. از یک طرف امنیّت به عنوان عامل و بستر رفاه افراد جامعه، توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حاکمیّت ارزش‌های معنوی و اخلاقی و وصول انسان‌ها به اهداف والا و متعالی محسوب می‌شود و بدون تأمین امنیّت، دستیابی به توسعه ناممکن است و از طرف دیگر توسعه‌نیافتگی جامعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سایر بخش‌ها، تأثیر منفی در ایجاد ناامنی‌ها دارد.

عدم توسعه در زمینه‌های سلامت جسمی و روانی افراد جامعه، فقر و سلطه اقتصاد ناصحیح و ناسالم، تداول و تمرکز ثروت‌ها در میان گروه‌های خاص از اشخاص و سایر مظاهر توسعه‌نیافتگی، خود از عوامل زمینه‌ساز ناامنی در حوزه فردی و اجتماعی شناخته می‌شوند.

تأکید شریعت اسلام بر اصل تعدیل و توزیع ثروت در جامعه از طریق سازوکار نهادهای مناسب مالی (همچون زکات، خمس، کفّارات و صدقات)، توجّه به اصل ارزش کار و کسب درآمد و ثروت از طریق کار شرافتمند، رعایت

تحصیل ثروت از طریق مبادرت به مشاغل مباح و نهی از اشتغال به شیوه‌ها و مشاغل محرّمه (مانند رشوه، ربا، احتکار، اختلاس و تبانی)، باهدف ایجاد ثبات و امنیّت در جامعه مطرح گردیده است و با اجرای این اصول، عوامل ایجاد و بروز ناامنی مرتفع می‌گردد و زمینه توسعه هر چه بیشتر در زمینه‌های مختلف فراهم می‌شود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمود که نزدیک است که فقر انسان را به کفر برساند. فقر مظهر توسعه‌نیافتگی است.

نتیجه رابطه تنگاتنگ و متقابل بین امنیّت و توسعه آن است که رشد و تعالی در هر نوع تکاپو و فعالیت فردی و اجتماعی، در بستری آرام و امن پدید می‌آید و در همه عرصه‌های حیات انسانی شاهد هم‌افزایی این دو عامل خواهیم بود.

عوامل ایجاد امنیّت معنوی

در شریعت اسلام موجبات ایجاد و تداوم امنیّت معنوی
آحاد جامعه اسلامی تصریح گردیده است.

قرآن کریم عوامل امنیّت معنوی را چنین بیان می‌کند:

۱ - تسلیم در برابر خداوند: از دیدگاه قرآن کریم تسلیم
در برابر خداوند متعال هرگونه ناامنی و اندوه را از انسان دور
می‌سازد:

بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ

عِنْدَ رَبِّهِ ۖ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٢٢﴾

۲ - ایمان به خداوند: از عوامل مهم ایجاد امنیّت معنوی
و روحی برای انسان که اسناد بین‌المللی حقوق بشر فاقد این
عامل اساسی هستند، ایمان و عقیده‌مندی به خداوند متعال
است که قرآن کریم در این خصوص چنین فرموده است:

^۱ بلکه هرکس که روی به خدا آورده و نیکوکار باشد، او راست پاداش
نزد خداوندش و نه بیمی برای ایشان است و نه اندوهگین شوند. قرآن
کریم -سوره بقره -آیه ۱۱۲

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى
وَالصَّبِيَّاتِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ
صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣١﴾

وعدۀ الهی به ایمان آوردگان، امنیت و آسایش است،
چنانکه فرموده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ

^۱ همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که جهود شدند و ترسایان و صائبان، هرکس به خدا و روز باز پسین ایمان آورد و کردار نیک کند، آنان راست پاداششان نزد پروردگارشان و نه ترسی است بر ایشان و نه اندوهگین شوند. قرآن کریم-سوره بقره-آیه ی ۶۲

وَلْيَبْدِلْهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا... ﴿٥٥﴾^۱

ایمان به خداوند بزرگ‌ترین و مؤثرترین نقش را در ایجاد و حفظ اَمْنِیت معنوی دارد.

۳- توحید و یکتاپرستی: قرآن کریم ایمان‌آوردگانی که در عقیده به وحدانیت خداوند دچار انحراف و لغزش نباشند و ایمان خویش را به شرک آلوده ن سازند، وعده اَمْنِیت می‌دهد:

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٥٦﴾^۲

۴- ایمان به معاد: اعتقاد به آخرت و دنیای دیگر که از عمق جان انسان باشد، موجب ایجاد اَمْنِیت معنوی و آرامش

^۱ وعده داد خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و کردار شایسته داشتند تا جانشین گردانندشان در زمین چنانکه جانشین گردانید آنان را که پیش از ایشان بودند و هر آینه فرمانروا گردانند برای ایشان دینشان را که پسندید برای ایشان و همانا بدیشان دهد پس از ترسشان اَمْنِیت را. قرآن کریم-سوره نور-آیه ۵۵

^۲ کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمانشان به شرک نیالوده‌اند، آنانند که اَمْنِیت دارند و آنانند که ره یافته‌اند. قرآن کریم-سوره انعام- آیه ۸۲

در زندگی انسان خواهد شد، زیرا برای او اطمینان حاصل می‌شود که اعمال و کردار او در قیامت همراه او خواهد بود و این باور به زندگی او معنا می‌بخشد و مانع بدبینی و احساس پوچی نسبت به نظام هستی و عالم وجود می‌گردد. قرآن کریم در وصف دنیای آخرت چنین می‌فرماید:

...وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ^۱

این وصف از معاد، سبب امیدواری به سرایی مطمئن و امن است و آن کس که به آخرت ایمان داشته باشد به دور از نگرانی و اضطراب است و در آرامش زندگی خواهد کرد.

۵- انجام عمل صالح: قرآن کریم آنان را که در نتیجه بشارت و انذار فرستادگان الهی، به خداوند ایمان آوردند و مبادرت به اعمال صالح و نیکو نمایند، وعدهٔ اَمْنِیت فرموده است:

^۱ و همانا آخرت سرای آرامگاه است. قرآن کریم-سورهٔ مومن-آیه ۳۹

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ^طفَمَنْ

ءَامِنٌ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾

۶- تقوا و پرهیزکاری: تقوا به مفهوم پرهیز از سرکشی و عصیان در مقابل اوامر الهی و اجرای فرامین او که در رسالت فرستادگان به انسان‌ها ابلاغ گردیده است، مانع از سلب امنیّت معنوی و غلبه ترس و اندوه بر انسان می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

يَبْنِيْءَ آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُّسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ

ءَايَاتِيْ فَمَنْ أَتَقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾

^۱ و نمی‌فرستیم فرستادگان را جز نویددهندگان و ترسانندگان، پس آنکه ایمان آورد و عمل صالح انجام داد، نیست بر ایشان بیمی و نه اندوهگین شوند. قرآن کریم-سوره انعام- آیه ۴۸

^۲ ای فرزندان آدم، اگر بیایدتان فرستادگانی از شما که فرو خوانند بر شما آیت‌های مرا، پس آنکه پرهیزکاری و عمل نیک نماید، نیست برایشان بیمی و نه اندوهگین شوند. سوره اعراف - آیه ۳۵

خداوند متعال برای متّقین جایگاه امن مقرر فرموده

است:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ^۱

۷- اطاعت و پیروی از خداوند: تبعیت و پیروی از

هدایت الهی نیز از عوامل رافع ناامنی معنوی انسان‌هاست، به

این عامل اساسی ایجاد امنیت در قرآن کریم چنین تصریح

گردیده است:

... فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۲

۸- دوستی با خداوند: یکی از عوامل مهم ایجاد و

برقراری امنیت معنوی انسان‌ها، دوستی با خداوند متعال

^۱ بی‌گمان پرهیزکاران در جایگاهی امن و آرام هستند. قرآن کریم-

سوره دخان-آیه ۵۱

^۲ هرگاه شما را راهنمایی از جانب من آید، پس آنان که راهنمایی مرا پیروی کنند، نه بر ایشان ترسی است و نه اندوهگین شوند. قرآن کریم-

سوره بقره-آیه ۳۸

است. قرآن کریم ثمره دوستی با خداوند را چنین بیان می‌کند:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يَحْزَنُونَ ﴿٩﴾

۹- انفاق خالصانه: در قرآن کریم پاداش انفاق با خلوص و بی‌ریا در راه خدا، اَمْنِیت و رهایی از خوف و اندوه مقرر شده است:

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ

مَا أَنْفَقُوا مِنْهُ وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٠﴾

^۱ بدانید که دوستداران خدا، نه بیمی بر آن‌هاست و نه اندوهگین شوند. قرآن کریم-سوره یونس-آیه ۶۲

^۲ کسانی که اموال خویش را در راه خدا می‌بخشند و به دنبال بخشش خود منت و آزاری در میان نمی‌آورند، پاداششان نزد خداوند محفوظ است، نه بیمی بر آن‌هاست و نه اندوهگین شوند. قرآن کریم-سوره بقره-آیه ۲۶۲

چالش‌های امنیت فردی

امنیت فردی یا اجتماعی از دو سو ممکن است در معرض تهدید قرار گیرد. از یک سو افراد و گروه‌های انسانی امنیت شخصی دیگران را مورد تعرض و تجاوز خویش قرار می‌دهند و از طرف دیگر تهدید حاکمیت نسبت به امنیت فردی، می‌تواند آحاد جامعه را با چالش جدی مواجه سازد.

قرآن کریم حکومت طاغوتی فرعون را، به عنوان نماد تهدید امنیت آحاد جامعه توسط حکومت، چنین معرفی می‌کند: إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّرُ أَبْنَاءَهُمْ نِسَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِ^ج إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١﴾

^۱ همانا فرعون در آن سرزمین سرکشی کرد و اهل آن را فرقه فرقه کرد، طایفه‌ای از آنان را به زبونی کشید، پسرانشان را می‌کشت و زنان را زنده باقی می‌گذاشت - برای کنیزی - به‌درستی که او از تبه‌کاران بود. قرآن کریم - سوره قصص - آیه ۴

تهدیدات امنیت فردی را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

الف - تهدیدات فیزیکی: آنگاه که تمامیت جسمی انسان مورد تعرض و تهدید قرار گیرد، امنیت جانی او در معرض تجاوز واقع گردیده و نتیجه آن تحمل درد و رنج، صدمات و لطمات جسمی و یا مرگ و پایان حیات انسان خواهد بود.

ب - تهدیدات اقتصادی: امنیت مالکیت و حق تحصیل درآمد مشروع و قانونی از مصادیق امنیت فردی محسوب می‌شود و هرگاه اموال اشخاص غاصبانه توسط دیگران یا حکومت تصرف شود، یا در معرض تخریب و اتلاف قرار گیرد و یا اینکه اشخاص از دسترسی به راه‌های تحصیل منافع و درآمد مشروع محروم شوند، امنیت شخصی ایشان نقض و مورد تعرض قرار گرفته است.

ج - تهدیدات نسبت به حقوق مدنی: جلوگیری از اعمال حقوق و آزادی‌های اساسی و مدنی اشخاص و یا ایجاد محدودیت‌های نابجا و تبعیض‌آمیز، از جمله توقیف و

زندانی نمودن آنان، موجب سلب امنیت فردی محسوب می‌شود.

د - تهدیدات نسبت به آبرو و حیثیت اشخاص: هتک حیثیت و اعتبار فردی و اجتماعی شخص، امنیت معنوی او را مختل می‌کند و موجب ناامنی روانی و تحقیر انسان می‌گردد.

اهمیت عرض و آبروی انسان‌ها از دیدگاه شریعت اسلام، همسان با اهمیت جان و حیات آنهاست و بر این اساس امنیت جانی و امنیت حیثیت و آبروی اشخاص از ارزش یکسانی برخوردار است.

قرآن کریم عوامل چالش‌زا و تهدیدکننده‌ی امنیت فردی را این‌گونه بیان نموده است:

۱ - ترویج و اشاعهٔ ظلم و ستم به دیگران: آلودگی اشخاص به ستمگری و ظلم به اشخاص دیگر، عامل بروز ناامنی است و پرهیز از آن، ضامن امنیت و آسایش فرد و موجب سعادت‌مندی اوست:

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا اِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولَٰئِكَ
لَهُمُ الْاَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ^۱

۲- تجاوز به حریم حقوق دیگران: تعرض به حقوق و
حریم شخصی دیگران یکی از عوامل مهم چالش و ناامنی
فردی و اجتماعی است.

مداخله در خلوت اشخاص، هتک حیثیت دیگران،
تهمت و افترا، غیبت، تجسس در احوال شخصی افراد،
مسخره کردن و استهزاء انسان‌ها، از مصادیق تعدی به حقوق
دیگران محسوب می‌شود که در قرآن کریم انسان‌ها از
ارتکاب آن‌ها نهی گردیده‌اند:

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ اَنْ
يَّكُونُوْا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ اَنْ يَّكُنَّ
خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوْا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوْا بِاللُّغَبِ^۲

^۱ کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستم نیالوده‌اند، آنانند که از
امنیّت برخوردارند و آنانند که ره یافته‌اند. قرآن کریم-سوره انعام- آیه

بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ
 فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١٢﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا
 كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ۖ وَلَا تَجَسَّسُوا
 وَلَا يَغْتَبَ بَEْعُكُم بَEْعًا ۚ أَتُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَن
 يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ
 تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٣﴾

۳- سوء استفاده از آزادی‌ها: بی تردید اعمال آزادی و حقوق مدنی برای هیچ کس نامحدود و بی قید و شرط نیست.

۱ ای مؤمنان، نباید که قومی قوم دیگر را به ریشخند بگیرد، چه بسا اینان از آنان بهتر باشند و نیز نباید زنانی زنان دیگر را ریشخند کنند، چه بسا اینان از آنان بهتر باشند و در میان خویش عیب جویی نکنید و یکدیگر را به لقب‌های بد خوانید. پس از ایمان، پرداختن به فسق، بد رسمی است و هر کس بازنگردد، اینانند که ستمگرانند. ای مؤمنان، از بسیاری از گمان‌ها پرهیز کنید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است و تجسس در کار دیگران نکنید، آیا دوست دارد یکی از شما از برادر مرده‌اش را بخورد؟! که از آن تنفر دارید و از خداوند پروا کنید که بی گمان خداوند توبه پذیر مهربان است. قرآن کریم-سوره حجرات-آیات ۱۱ و

پاره‌ای از این حقوق و آزادی‌ها محدودیت پذیرند و آنگاه که اعمال آن‌ها موجب تضییع حقوق دیگران و یا مصالح عامّه و یا جریحه‌دار کردن اخلاق عمومی گردد، صاحب حق در بهره‌مندی از آن محدودیت پیدا می‌کند و نمی‌توان حق خویش را در هر شرایطی و به هر بهایی اعمال نماید.

برخی از حقوق و آزادی‌ها محدودیت ناپذیرند و اعمال هر گونه محدودیت برای آن‌ها معقول و مقدور نیست.

در میان حقوق و آزادی‌ها، آزادی عقیده از حقوق محدودیت ناپذیر است. هر انسان می‌تواند بدون اکراه و اجبار، عقیده و مذهبی را برای خویش برگزیند و هیچ شخصی و یا حکومتی نمی‌تواند انسان را به داشتن عقیده و باور خاص مجبور سازد. این حقیقت در قرآن کریم نیز به صراحت منعکس است.^۱

برعکس آزادی بیان از حقوق محدودیت پذیر است و آنگاه که بیان و نشر یک عقیده موجب ایجاد انحراف و

^۱قرآن کریم-سوره بقره-آیه ۲۵۶

فساد دیگران و جامعه گردد، با ایجاد محدودیت از بیان و انتشار آن جلوگیری به عمل می‌آید.

روشنگری از طریق اعمال آزادی بیان، باهدف ساختن افکار دیگران جایز و مورد تأکید شریعت اسلام است، ولی سوءاستفاده از این حق و به‌کارگیری آن در جهت منحرف کردن افکار و عقاید جامعه ممنوع و موجب کیفر است.

شریعت اسلام آشکار ساختن اسرار دیگران و افشاگری در قالب آزادی بیان و نشر اخبار و اطلاعات محلّ امنیت فردی و اجتماعی را به شدّت مورد نکوهش قرار داده و ایمان آوردگان را از این اقدام نابخردانه بازدارفته است:

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا عَدُوِّيْ وَعَدُوْكُمْ اَوْلِيَاۤءَ
تَلْقَوْنَ اِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوْا بِمَا جَاءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ
يُخْرِجُوْنَ الرَّسُوْلَ وَاِيَّاكُمْ ؕ اَنْ تُوْمِنُوْا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ
خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِىْ سَبِيْلِىْ وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِىْ تُسِرُّوْنَ اِلَيْهِمْ
بِالْمَوَدَّةِ وَاَنَا اَعْلَمُ بِمَا اَخْفَيْتُمْ وَمَا اَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ

مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ^۱

افشاگری که نسبت به اسرار شخصی دیگران باشد، یا انتشار و انتقال اخبار سرّی و اطلاعات پنهانی جامعه به بیگانگان، موجب اخلال در امنیّت روانی و روحی افراد و جامعه می‌گردد و از دیدگاه اسلام حرام و ممنوع است، به ویژه اگر از مصادیق جاسوسی تلقی شود.

قرآن کریم تصریح دارد که افشاگری خصلت افراد منافق است:

وَاِذَا جَاءَهُمْ اَمْرٌ مِّنَ الْاَمْنِ اَوْ الْخَوْفِ اذْعَوْا بِهٖ ۚ
وَلَوْ رَدُّوْهُ اِلَى الرَّسُوْلِ وَاِلَى اُولٰٓئِی الْاَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ

^۱ ای مؤمنان، اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست مگیرید که به آن‌ها مهربانی کنید و حال آنکه آنان به دین حقّی که برای شما آمده است، کفر و انکار ورزیده‌اند و پیامبر و شما را آواره کرده‌اند، چرا که به خداوند ایمان دارید. شما با آنان سر و سرّ دوستانه دارید و من به آنچه پنهان دارید و آنچه آشکار دارید، آگاه‌ترم و هرکس از شما چنین کند به راستی که از راه راست گم گشته است. قرآن کریم -سوره ممتحنه-

الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا^۱

۴- گسترش فساد: یکی از اسباب و موجبات بروز ناامنی و اخلال در آسایش فردی و اجتماعی، اشاعه فساد در حوزه فردی و جامعه می‌باشد.

فساد که زمینه‌ساز ناامنی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست، اعم است از فساد اخلاقی، فساد اجتماعی، فساد اقتصادی، فساد فرهنگی و فساد در همه شئون زندگی اشخاص.

رواج فحشاء و منکر، گسترش اعتیاد به مواد مخدر، رواج فقر و تنگدستی، مبادرت به انحرافات اقتصادی (از قبیل ربا و احتکار) از مصادیق فساد قلمداد می‌شوند.

^۱ و چون به ایشان خبری که مایه آرامش یا نگرانی است برسد، آن را فاش می‌سازند، حال آنکه اگر آن را به پیامبر و اولوالامر عرضه می‌داشتند، آن‌گاه اهل استنباط ایشان به مصلحت آن پی می‌بردند و اگر بخشش و رحمت الهی بر شما نبود، جز عده‌ای اندک از شما همه از شیطان پیروی می‌کردید. قرآن کریم-سوره نساء-آیه ۸۳

خداوند متعال انسان‌ها را از فساد در جامعه بر حذر

می‌دارد و می‌فرماید:

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ
خَوْفًا وَطَمَعًا^۱ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ



شریعت اسلام برای از بین بردن و مقابله با فساد، به عنوان ریشه ناامنی، مجازات‌های سنگینی برای مفسدین و فتنه‌گران پیش‌بینی نموده است که در قرآن کریم این چنین مورد اشاره قرار گرفته است:

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ
فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ
أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِّنَ الْأَرْضِ^۲

^۱ و در این سرزمین پس از آنکه به صلاح آمده است، فتنه و فساد مکنید و خدا را با بیم و امید بخوانید که رحمت الهی به نیکوکاران نزدیک است. قرآن کریم - سوره اعراف - آیه ۵۶

ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ
عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾

^۱ همانا جزای کسانی که با خداوند و پیامبر او به محاربه بر می‌خیزند و در زمین به فتنه و فساد می‌کوشند، این است که کشته شوند یا بردار شوند یا دست‌ها و پاهایشان در خلاف یکدیگر بریده شود، یا از سرزمین خویش تبعید شوند، این خواری و زاری دنیوی‌شان است و در آخرت هم عذاب بزرگی در پیش خواهند داشت. قرآن کریم-سوره مائده-آیه

راهکارهای حفظ امنیت فردی

پیش‌تر چالش‌های امنیت فردی را مورد اشاره قرار دادیم و بی‌شک کارآمدترین راهکارها برای پاسداری از امنیت فردی، از بین بردن ریشه‌ها و موجبات ناامنی در حوزه فردی و اجتماعی است.

در تعالیم حیات‌بخش اسلام اوامر و نواهی متعددی وجود دارد که نتیجه اعمال آن‌ها جلوگیری از اختلال در امنیت فردی و جامعه، ممانعت از تزلزل و بی‌ثباتی در امنیت فکری و روانی و حاکمیت هرج و مرج در روابط فردی و اجتماعی آحاد جامعه می‌باشد.

راهکارهای اجرایی مورد نظر اسلام برای تأمین امنیت ابعاد مختلف و متنوعی دارد که از یک طرف با مظاهر و نمادهای ناامنی در جامعه قاطعانه برخورد می‌کند و با اعمال مقررات جزائی، مسببین ناامنی و متعرضین به امنیت فردی و اجتماعی را به سختی به کیفر می‌رساند و از سوی دیگر با زمینه‌سازی‌ها و اقدامات زیربنایی مبادرت به پیشگیری از ایجاد زمینه‌های بروز ناامنی و بی‌ثباتی در جامعه می‌نماید که

عوامل و راهکارهای معنوی در این میان از اهمیّت و تأثیر والاتری نسبت به سایر عوامل فیزیکی برخوردار می‌باشند؛ به عبارت دیگر، امتیاز تدابیر مقرر در شریعت اسلام نسبت به سایر نظام‌های حقوقی (به ویژه نظام‌های حقوقی غرب)، توجّه به دو نکته اساسی است: نخست تأکید بر پیشگیری از رشد و ایجاد زمینه‌های ناامنی و دیگر نکته مبتنی ساختن راهکارهای حفاظت از امنیّت بر موازین اخلاقی، معنوی، اعتقادی و تربیتی که به یقین اثرات آن عمیق‌تر و مستحکم‌تر شدن مبانی امنیّت در همه شئون فردی و اجتماعی خواهد بود.

اینک به بیان پاره‌ای از این راهکارها و تدابیر می‌پردازیم:

۱ - تقویت دین‌داری: بی‌تردید مؤثرترین عامل برای مقابله با بروز ناامنی در ابعاد مختلف آن، تقویت ایمان و باورهای دینی انسان‌ها و تحکیم پیوند با پروردگار متعال است.

ثمرهٔ ایمان و اعتقاد انسان‌ها به مبدأ حیات و آفرینش، ایجاد امنیت همه‌جانبه و پایدار است و قطع پیوند و ارتباط با سرچشمهٔ فیض، موجب ناامنی و حاکمیت عوامل تنش‌زا و چالش‌آفرین در همه اقسام امنیت خواهد بود.

در کلام الهی مکرر به نقش ایمان به خداوند و روز قیامت در رفع ترس و نگرانی از ناامنی تصریح شده است و دل سپردن به خداوند و تسلیم شدن در مقابل عظمت او، موجب زدودن دلهره و بیم از ناامنی از وجود انسان و جامعه و احساس امنیت و آرامش معرفی گردیده است.^۱

رعایت تقوای الهی و پرهیزکاری و مبادرت به اعمال صالح و نیکو نیز عاملی مهم در استقرار و تداوم امنیت فردی بشمار می‌آیند.^۲

۲ - تحکیم مبانی اخلاقی: عامل اخلاق، به ویژه موازین اخلاقی منشأ گرفته از تعالیم الهی را می‌بایست مؤثرترین

^۱قرآن کریم: سورهٔ مائده-آیه ۶۹. سوره بقره-آیه ۱۱۲. سوره یونس-

آیه ۶۲. سوره احقاف-آیه ۱۳

^۲قرآن کریم: سوره انعام-آیه ۴۸. سوره اعراف-آیه ۳۵

راهکار حفظ امنیت فردی و اجتماعی به حساب آورد، زیرا حاکمیت ارزش‌های اخلاقی در جامعه مانع رشد و بروز ناهنجاری‌ها و عوامل ایجاد ناامنی در حوزه زندگی خصوصی آحاد جامعه می‌گردد.

اشاعه فساد و انحطاط اخلاق در جامعه، منبع و بستر مناسبی برای توسعه ناامنی است و می‌تواند امنیت را در همه ابعاد فردی، اجتماعی، بین‌المللی، اقتصادی، سیاسی و سایر ابعاد آن خدشه‌دار سازد و بر این مبنا مبارزه دائمی و مستمر با مفسد اخلاقی در جامعه می‌تواند ضامن پاسداری و صیانت از امنیت در حوزه‌های مختلف باشد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در بیان اهمیت مکارم اخلاق در بعد فردی و حوزه اجتماعی می‌فرماید: (روزگار به سوی خوش‌خویی و حسن خلق پایان می‌پذیرد و زیباترین و لطیف‌ترین چیز در دین، حسن خلق است. سنگین‌ترین عمل در ترازوی اعمال خوش‌خویی می‌باشد و بدخویی اعمال را فاسد و تباه می‌کند، چنانکه سرکه غسل را فاسد می‌نماید و

اگر چه درشت خو به درجات بالایی برسد، بازگشتش به خواری و پستی است.^۱

نیاز انسان‌ها به مکارم اخلاق بدان حد است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: (اگر بنده خدا بداند چه فوائد و نتایجی در اخلاق نیکوست، می‌دانست که نیازمند خلق نیکوست)^۲. در سیره‌ی نبوی چنین آمده است که رسول گرامی اسلام (ص) همواره دعا می‌فرمود که: (خدایا مرا از اخلاق زشت و منکرات اخلاق برکنار بدار)^۳.

تأثیر اخلاق نیکو در جامعه و برکات آن در فرمایشات پیامبر اسلام (ص) تصریح گردیده است که از آن جمله است:

- استوار ساختن محبّت و دوستی در جامعه^۴.

- الفت و همدلی میان آحاد مردم^۵.

^۱ بحار الانوار-جلد ۶۸-صفحه ۳۹۳.

^۲ بحار الانوار-جلد ۱۰-صفحه ۱۳۶۹

^۳ احیاء العلوم-ج ۲-ص ۱۳۷۹

^۴ تحف العقول-ص ۴۸

^۵ بحار-جلد ۷۴-ص، ۱۴۹، سفینة البحار-ج ۱-ص ۴۱۰

- از بین بردن خصومت و دشمنی بین مردم.^۱

- رفعت و علو درجه و مقام.^۲

و بالأخره فرمایش رسول اکرم (ص) در اهمیت اخلاق و تأثیر آن، در این کلام ایشان نمایان و هویداست: (همانا من برای تتیم و تکمیل اخلاق پسندیده مبعوث شده‌ام).^۳

۳- تقویت تکلیف محوری: یکی از امتیازات شریعت اسلام، تربیت انسان تکلیف محور است. در جامعه‌ای که بر مبنای دین و تعالیم الهی استوار است، هر یک از آحاد جامعه اسلامی، برای صیانت و پاسداشت امنیت و سلامت جامعه و بالتبع امنیت فردی هر یک از اعضای آن، تکالیفی بر عهده دارند که اعمال آن‌ها می‌تواند موجب پایداری و استمرار امنیت فردی و اجتماعی گردد و غفلت از اجرای تکالیف سبب زوال امنیت و تزلزل در آرامش آحاد جامعه خواهد بود.

^۱ تحف العقول-ص ۴۸

^۲ بحارالانوار جلد ۷۵ ص ۵۳

^۳ سنن بیهقی-ج ۱-ص ۱۹۲، سفینة البحار-ج ۱-ص ۴۱۰

از دیدگاه اسلام همه انسان‌ها از زمانی که قدرت تشخیص و تمیز پیدا می‌کنند و به حد تکلیف می‌رسند، می‌بایست با پیروی از دستورات الهی در اجرای تکالیف خویش جدیت به خرج دهند و از آن غفلت نورزند و در آن مداومت نمایند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) مسلمانان را به اجرای مستمر و مداوم تکلیفشان توصیه می‌فرماید: (به قدر طاعت و توان خویش عمل به تکلیف نمایید، زیرا وقتی شما ملول و سست گردید، خداوند نیز ملول می‌شود. در نظر خداوند بهترین کارها آن است که بادوام‌تر است، اگر چه اندک باشد)^۱.
به یقین اگر آحاد جامعه به تکلیف خویش در حفظ و حراست از امنیت تلاش ورزند و با بروز عوامل تنش‌آفرین مقابله نمایند، احساس ناامنی برای هیچ کس ایجاد نخواهد شد.

۴- اصلاح و تحکیم روابط انسانی: بی‌شک لازمه استقرار و بقای امنیت در همه ابعاد آن، جلوگیری از

^۱ نهج الفصاحه-ص ۸۵

خصومت و دشمنی بین آحاد جامعه و گسترش صلح و روابط سالم انسانی در اجتماع است و یقیناً هر چه صمیمیت و صداقت در روابط افراد جامعه بیشتر و عمیق‌تر باشد، پایداری امنیت و احساس آرامش در جامعه ملموس‌تر و نمایان‌تر خواهد بود.

یکی از وظایف و تکالیف مسلمانان، اصلاح ذات‌البین، به مفهوم تلاش برای برقراری صلح و سازش میان افراد جامعه است.

طبیعی است که در زندگی جمعی، گاه کدورت‌ها و اختلافاتی بین اشخاص بروز می‌کند که تداوم آن‌ها می‌تواند موجب تنش و اخلال در امنیت فردی یا اجتماعی باشد. برای جلوگیری از بروز چنین عارضه‌ای، خداوند متعال به همه ایمان‌آوردگان فرمان می‌دهد تا به اصلاح روابط آحاد جامعه همت گمارند:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ^۱ وَاتَّقُوا

اللّٰهُ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^۱

فرمان اصلاح بین انسان‌ها در کلام الهی و باهدف تحکیم روابط انسانی آن‌ها تأکید و تصریح گردیده است.^۲

در فرمایشات نبی مکرم اسلام (ص) نیز برقراری صلح بین اشخاص، نیکوترین اعمال معرفی گردیده است: (هر که برای برقرار کردن صلح در میان دو تن گام زند، فرشتگان خدا بر او درود فرستند تا برگردد و پاداش و ثواب شب قدر به وی عطا شود؛ و هر کس به خاطر بریدن پیوند دو تن گام زند، گناه و وزر او به اندازه ثواب کسی است که میان دو تن صلح برقرار کرده باشد و لعنت خدا بر او نوشته می‌شود، وارد برزخ گردد و آنجا عذاب او افزون شود^۳).

^۱ به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند. پس همیشه میان برادران ایمانی خود صلح دهید و خدا ترس و پرهیزکار باشید که مشمول لطف و رحمت الهی گردید. قرآن کریم - سوره حجرات - آیه ۱۰

^۲ قرآن کریم - سوره انفال - آیه ۱. سوره نساء آیه ۱۲۸. سوره حجرات -

آیه ۹

^۳ آثار الصادقین - جلد ۱۱ - ص ۵۳

این عمل تا آنجا ارزش و اهمیت دارد که پیامبر اسلام (ص) آن را برترین صدقه می‌داند^۱ و از فرائضی چون نماز و روزه برتر قلمداد می‌کند: (آیا به شما خبر دهم به چیزی که برتر از نماز و روزه و صدقه است؟ عرض کردند: بلی. فرمود: اصلاح نزاع و خصومت میان دو نفر، زیرا فساد و اختلاف در میان مردم موجب از میان بردن دین است^۲).

همچنین در تعالیم اسلامی، «سلام» به عنوان اعلان امنیت به دیگران از «تعرض و تجاوز» و «نماد صلح و دوستی بین انسان‌ها» معرفی گردیده است. خداوند متعال از پیامبر خویش می‌خواهد تا بر ایمان آوردگان اهدای سلام کند:

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ

^۱ مجمع البیضاء، ج ۳- ص ۳۷۳

^۲ نهج الفصاحه- ص ۸۶

عَفُورٌ رَّحِيمٌ^۱

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز در اهمیت و آثار ترویج سلام به یکدیگر می‌فرماید: (آیا میل ندارید که شما را به چیزی رهبری کنم که چون آن را بجای آورید، دوستدار هم شوید؟ در میان خود افشای سلام کنید^۲).

۵- نظارت بر اجرای صحیح قوانین اسلامی: یکی از راهکارهای مهم در راستای تأمین امنیت فردی، اجرای صحیح و دقیق قوانین و مقررات اسلامی در جامعه می‌باشد. چنانکه پیش‌تر اشاره شد، شریعت اسلام انسان را در قبال حقوق و آزادی‌های خویش، مکلف و متعهد به رعایت الزامات و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی او می‌داند.

^۱ و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، به نزد تو آیند، بگو سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر داشت. هر کس از شما که از روی نادانی مرتکب ناشایستی شود، سپس توبه و درستکاری کند و به صلاح آید، خداوند آمرزگار مهربان است. قرآن کریم-سوره انعام-آیه ۵۴.

^۲ صحیح مسلم - ج ۱ - ص ۷۴

بدیهی است اگر آحاد جامعه مبادرت به ایفاء مسئولیت‌ها و تعهدات فردی و جمعی خویش نمایند، زمینه‌های بروز تنش‌های اجتماعی و ایجاد احساس عدم امنیت از بین خواهد رفت و حس اعتماد و امنیت در بعد فردی و اجتماعی جایگزین آن خواهد شد.

ضرورت نظارت و کنترل حکومت برای اجرای قوانین و نظامات اجتماعی و تمهید سازوکارهای اجرایی مناسب انکارناپذیر است.

در تاریخ اسلام آمده است، هنگامی که پیامبر اسلام (ص) معاذبن جبل را برای حکومت به یمن اعزام فرمود، او را این گونه وصیت نمود: (ای معاذ کتاب خدا را به آنان بیاموز، ایشان را به اخلاق خوب پرورش ده، مردم را در مقامشان وادار-خواه نیک باشند و خواه بد-امر خدا را درباره آن‌ها اجرا کن، در فرمان خدا و مال خدا از هیچ کس مترس زیرا اختیار با تو نیست و مال از آن تو نمی‌باشد. امانت مردم را خواه کم خواه بیش به آنان پرداز، بر تو باد نرمش و گذشت نه در مورد ترک حق که نادان بگوید حق خدا را

ترک گفتی... امر اسلام را پدیدار کن خواه کوچک باشد و خواه بزرگ^۱).

البته لازم است کارگزاران دولت اسلامی برای مؤثر بودن نظارت و کنترل دولت، به توصیه‌های رسول گرامی اسلام (ص) مبنی بر رعایت تقوای الهی، راست گفتاری، وفای به عهد، ادای امانت، ترک خیانت، نرمی کلام، بذل سلام و رفتار نیکو عمل نمایند.

۶- رعایت آزادی‌های مدنی مشروع: صیانت و پاسداری از امنیت فردی منوط به پاسداشت و مراعات کردن حقوق و آزادی‌های مدنی مشروع آحاد جامعه است و مادام که انسان‌ها از حقوق طبیعی خویش بهره‌مند نباشند یا با محدودیت‌های نامتعارف و غیرضروری در برخورداری از حقوق مسلم خود مواجه باشند، احساس امنیت و آسودگی خاطر برای آنان ایجاد نخواهد شد.

مسئله مراعات حریم خصوصی اشخاص (اعم از حریم مسکن، حریم اطلاعاتی، حریم ارتباطات، حریم خانواده و

^۱ تحف العقول-ص ۲۸

حریم روانی)، مصوئیت حیات و زندگی انسان‌ها از تعرض دیگران، آزادی عقیده، حق معیشت و برخورداری از ضروریات زندگی برای امکان ادامه حیات، ممانعت از هتک حیثیت و اعتبار افراد جامعه و سایر حقوق مدنی اشخاص، رابطه مستقیم و لاینفک با مقوله امنیّت شخصی انسان‌ها دارد و نتیجه تأکید اسلام بر رعایت حقوق طبیعی اشخاص، ایجاد احساس امنیّت در جامعه خواهد بود.

بدیهی است در جامعه‌ای که حقوق و آزادی‌های مشروع آحاد مردم مصون از تعرض و مداخله اشخاص دیگر نباشد، انتظار احساس امنیّت فردی و اجتماعی، نابجا و نامعقول است.

۷- تعلیم و تربیت: تربیت و آموزش در همه سطوح و در تمامی مراحل زندگی، لازمه حیات بشر است و نقش آن در رعایت حریم شخصی یکدیگر و عدم تعرض به حوزه خصوصی دیگران، بسیار با اهمیّت و تأثیرگذار می‌باشد.

تربیت و پرورش به عنوان اقدامی بنیادین در تأمین امنیّت و آسایش فردی و اجتماعی محسوب می‌شود و به ویژه

خانواده در این امر مهم نقش اساسی و بی‌بدیل را دارا می‌باشد.

بی‌شک انسان تربیت‌یافته از ارتکاب اعمال و رفتار ناهنجار و نامعقول که موجب اخلال در اَمْنِیت شخصی و یا جامعه گردد، خودداری می‌نماید و برای این حقّ اساسی فرد و اجتماع احترام و اَمْنِیت قائل می‌شود.

۸- مقابله با احساس ناامنی: چنانکه پیش‌تر اشاره شد، اَمْنِیت ذهنی و روانی اَمْنِیت خاصی در استمرار و بقای اَمْنِیت عینی دارد و ضرورت وجود آن بیشتر از تحقق عینی اَمْنِیت است، زیرا دلهره و خوف از بروز ناامنی می‌تواند تحقق اَمْنِیت را نیز دچار اخلال و تزلزل نماید.

برای مقابله با عواملی که موجب بروز ناامنی روانی می‌شوند، لازم است که افراد جامعه قاطعیّت و عزم حکومت را در برخورد با اخلال گران اَمْنِیت جامعه احساس نمایند.

پشتوانه قدرت و تصمیم دولت (به عنوان قوه‌ی عالی و نماینده مردم) عامل مهم و اساسی در استقرار اَمْنِیت ذهنی آحاد جامعه محسوب می‌شود و بی‌تفاوتی حکومت نسبت

به عوامل ناامنی سبب ایجاد توهم میان افراد جامعه می‌گردد، هر چند که ممکن است در عمل امنیت در جامعه تحقق یافته باشد و هنوز ناامنی در آن اجتماع فراگیر نباشد.

بی‌توجهی به امنیت ذهنی اشخاص در جامعه می‌تواند موجب گسترش و رشد عوامل منفی تأثیرگذار بر امنیت فردی و اجتماعی گردد و اخلال گران از این وضعیّت شکننده در جامعه سوءاستفاده نمایند.

در منطق قرآن کریم، یکی از اهداف اصلی استقرار حاکمیت الهی و خلافت و جانشینی انسان‌های صالح در زمین، برقراری امنیت و از بین بردن ترس و دلهره انسان‌ها از ناامنی دانسته شده است.^۱

بر این اساس می‌بایست امنیت روانی آحاد جامعه، دغدغه اصلی حکومت اسلامی باشد و بدان اهتمام ویژه مبذول دارد.

۹- از بین بردن ریشه‌های ناامنی:

^۱ قرآن کریم-سوره نور-آیه ۵۵

بی‌تردید بهترین راهکار برای حفظ امنیت فردی، ریشه کن کردن موجبات و علل ایجاد ناامنی است. شریعت اسلام برای پاسداری از امنیت به حذف ریشه‌های ناامنی توجه ویژه‌ای معمول داشته است و برای تحقق این امر برنامه‌های عملی و زیربنایی پیش‌بینی نموده است.

به عنوان مثال یکی از ریشه‌های مهم ناامنی، گرسنگی و نیاز اشخاص برای تأمین مایحتاج اولیه خویش، به منظور ادامه حیات و رفع نیازمندی‌های ضروری است.

فقدان نیازهای اولیه، چه بسا زمینه‌های ارتکاب جنایت و ایجاد ناامنی و اخلال در آسایش فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. پیامبر گرامی اسلام (ص) فقر و گرسنگی را از موجبات بزرگ‌ترین انحراف انسان (کفر) معرفی می‌فرماید.

نباید پنداشت که همه انسان‌ها به لحاظ ظرفیت وجودی و روحی در حدی هستند که بتوانند عوارض و تبعات فقر و ناداری را تحمل کنند، بلکه در برخی انسان‌ها همین کمبود

می‌تواند زمینه ارتکاب اعمال نادرست و انحراف از مسیر صحیح را فراهم کند و موجب ناامنی دیگران و جامعه گردد، گرچه برخی به دلیل برخورداری از ایمان و تقوای الهی، هر نوع فقر و مصیبتی را تحمل می‌کنند و هیچ‌گاه از اوامر الهی استنکاف نمی‌ورزند.

فلسفه تأکید دین اسلام به رسیدگی به معیشت دیگران بر همین مبنا استوار است. تأمین رفاه و معیشت مردم و دفاع از حقوق محرومان، مظلومان و نیازمندان از ایجاد زمینه‌ی بسیاری از عوامل تجاوز و تعرض به حقوق و حریم دیگران جلوگیری می‌کند.

علاوه بر گسترش فقر، عوامل مهم دیگری از قبیل فساد اخلاقی و رواج فحشاء، اعتیاد به مواد مخدر و مشکلات اقتصادی، از موجبات بروز ناامنی در حوزه زندگی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود که برای مقابله با آنها احکام مشخصی در شرع اسلام مقرر گردیده و ارتکاب این‌گونه اعمال و بزه‌کاری‌ها مورد منع و تحریم اسلام قرار گرفته است.

۱۰- اجرای حدود الهی: علاوه بر اولویت ریشه کن کردن و مقابله با موجبات بروز ناامنی، تحقق حاکمیت قانون و مجازات کسانی که خودسرانه امنیت و آسایش اشخاص را سلب می کنند، از راهکارهای مهم تحقق و پاسداری از امنیت فردی به شمار می آید.

احکام جزایی اسلام که در قالب حدود و تعزیرات برای مجازات مرتکبین جرائم مقرر در شرع مقدس پیش‌بینی شده است، ضامن امنیت فردی و اجتماعی محسوب می شود.

در قرآن کریم برای صیانت از امنیت فکری و عقیدتی آحاد جامعه، مقابله با پدیده ارتداد مورد توجه قرار گرفته است و احکام جزایی خاصی برای شخص مرتد مقرر داشته تا بدین وسیله از ایجاد تزلزل و بی ثباتی در عقیده و ایمان افراد ممانعت به عمل آید:

... وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا ۚ وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ ۖ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۱ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^۲

گروهی از افراد با اقدامات موزیان و برنامه‌ریزی‌های خاص، من جمله بهره‌گیری و سوءاستفاده از احساسات مذهبی و مقدّسات دینی افراد، تلاش می‌کنند تا در میان آنان تفرقه‌افکنی کنند و موجب رشد مفسد فردی و اجتماعی گردند، این‌گونه اشخاص در شریعت اسلام به عنوان «محارب» شناخته می‌شوند^۲ و خداوند برای آنان مجازات‌های سنگین مقرر فرموده است تا ریشه ناامنی سیاسی و اجتماعی کنده شود و از بی‌ثباتی و تزلزل در مناسبات فردی و اجتماعی جامعه (که محلّ امنیّت و آسایش فرد و جامعه می‌باشد) ممانعت به عمل آورد:

^۱... و اینان همچنان با شما کارزار می‌کنند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و هرکس از شما از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد، اعمالش در دنیا و آخرت باطل گردیده است و اینان دوزخی‌اند و جاودانه در آنند. قرآن کریم-سوره بقره-آیه ۲۱۷

^۲قرآن کریم-سوره توبه-آیه ۱۰۷

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ
 فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ
 أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ^ج
 ذَلِكَ لَهُمْ حِزْبٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ
 عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾

برخورد با پدیده سرقت و مجازات سارق در شریعت
 اسلام، باهدف صیانت از امنیّت مالی و اقتصادی افراد جامعه،
 از اهمیّت خاصی برخوردار است.

پیش‌بینی مجازات و کیفر سنگین در احکام اسلامی
 برای سارق، حکایت از تأثیر مهمّ این انحراف و پدیده در

^۱ همانا جزای کسانی که با خداوند و رسولش به محاربه برمی‌خیزد و در
 زمین به فتنه و فساد می‌کوشند، این است که کشته شوند یا بردار شوند یا
 دست‌ها و پاهایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود، یا از سرزمین
 خویش تبعید شوند. این خواری و زاری دنیوی‌شان است و در آخرت
 هم عذاب بزرگی در پیش خواهند داشت. قرآن کریم-سوره مائده-آیه

ایجاد احساس ناامنی فردی و اجتماعی دارد. قرآن کریم
جزای سارقین را این گونه بیان فرموده است:

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءُ بِمَا
كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ ^۱ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۳۸﴾ فَمَن تَابَ
مِّن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ^۲ إِنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۳۹﴾

مقابله با عوامل ناامنی اخلاقی، همچون زنا و لواط،
باهدف پاسداشت امنیت عرض و ناموس و اخلاق فردی و
اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در احکام شریعت اسلام دارد و
اشاعه دهندگان فحشاء به عنوان اخلا لگران در امنیت اخلاقی
به کیفرهای معین شده خواهند رسید.^۲

تحریم قتل نفس محرمه و منع صدمه وارد کردن به

^۱ دستان مرد و زن دزد را به کیفر کاری که کرده‌اند، ببرید که عقوبتی
الهی است و خداوند پیروزمند فرزانه است و هرکس که بعد از ستمش،
توبه و درستکاری پیشه سازد، خداوند از او درمی‌گذرد، چرا که خداوند
آمرزگار مهربان است. سوره مائده - آیات ۳۸ و ۳۹

^۲ قرآن کریم - سوره نور - آیات ۲ و ۳

تمامیت و سلامت جسمی دیگران و خویشتن، ضامن امنیت حیات و جان انسان‌هاست. در شریعت اسلام حکم قصاص نفس برای سلب‌کنندگان امنیت جانی از دیگران، پیش‌بینی شده است:

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي
الْقَتْلِ ۖ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ ۖ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ ۚ
فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْهُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّهِ
إِلَيْهِ بِإِحْسَنٍ ۚ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۚ فَمَنْ
أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي
الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَتَأُولَىٰ ٱللَّيْبُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾

^۱ ای مؤمنان، بر شما در مورد کشتگان قصاص مقرر گردیده است که آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده و زن در برابر زن قصاص شود و اگر کسی در حق برادرش بخشش کند، بر اوست که خوش رفتاری کند و به نیکی به او دیه پردازد. این آسان‌گیری و رحمتی از سوی پروردگارتان است. از آن پس هر کسی تعدی کند، عذابی دردناک خواهد داشت. ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی نهفته است، باشد که تقوی پیشه کنید. قرآن کریم-سوره بقره-آیات ۱۷۸-۱۷۹

در قصاص عضو و جراحات نیز امنیت سلامت جسم انسان هدف شریعت مقدّس اسلام بوده است.^۱

حرمت تجسّس در امور خصوصی دیگران^۲، غیبت از دیگران^۳، تهمت و افترا و سوء ظن نسبت به اشخاص^۴، قذف و دادن نسبت زنا به دیگران^۵ و در نظر گرفتن کیفر برای مرتکبین چنین اعمال ناصحیح، تدابیری است که در احکام اسلامی برای پاسداری از امنیت آبرو و حریم خصوصی دیگران پیش‌بینی شده است.

۱۱- امر به معروف و نهی از منکر:

یکی از حقوق و تکالیف آحاد جامعه اسلامی، مبادرت به امر به معروف و نهی از منکر است که به عنوان اصل نظارت همگانی، ضامن گسترش و رشد نیکوکاری و ریشه کن شدن بدکاری‌ها در جامعه می‌باشد و در نتیجه امنیت

^۱قرآن کریم-سوره بقره-آیه ۱۹۴ و سوره مائده-آیه ۴۵

^۲قرآن کریم-سوره حجرات-آیه ۱۲

^۳قرآن کریم-سوره حجرات-آیه ۱۲

^۴قرآن کریم-سوره حجرات-آیه ۱۲

^۵قرآن کریم-سوره نور، آیه ۱۹

فردی و اجتماعی در سایه این اصل مهم تضمین می گردد. قرآن کریم این تکلیف عمومی را این گونه تبیین فرموده است:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْعُرْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱

بی شک همان گونه که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: (تا وقتی که مردم به نیکویی ها امر کرده و از بدی ها و زشتی ها نهی نموده و در نیکویی کردن و پرهیزکاری نمودن کمک و پشتیبان یکدیگر باشند، پیوسته در خیر و برکت خواهند بود. ولی وقتی این مهم را رها کنند، خیرات و برکات از آن ها برداشته خواهد شد و بعضی بر بعضی دیگر

^۱ و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند؛ و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند در دو عالم در کمال فیروز بختی و رستگاری خواهند بود. قرآن کریم-سوره آل عمران- آیه ۱۰۴

مسلط و چیره می‌گردند و آنان را در زمین و آسمان
فریادرسی نخواهد بود^۱.

این گونه امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند امنیت
فردی و اجتماعی را تضمین و صیانت نسبت به رعیت
ممانعت به عمل آورد تا انسان‌ها بتوانند در امنیت فردی و
فیزیکی به حیات خویش ادامه دهند و از حقوق انسانی
بهره‌مند گردند.

بدیهی است که اجرای این اصل مشروط به رعایت
حدود و شرایطی است که برای اعمال آن در مقررات شرع
اسلام پیش‌بینی شده است و تحقق آن با وجود شرایط و
تمهیدات لازم به هیچ‌وجه تعارض و منافاتی با وظایف
دولت‌ها در جهت برقراری امنیت و مقابله با عوامل بروز و
گسترش ناامنی در جامعه ندارد، بلکه این دو مکمل یکدیگر
می‌باشند.

۱۲ - تقویت نظام قضائی: یکی از مهم‌ترین راهکارهای
حفظ امنیت در حوزه‌های مختلف فردی، اجتماعی و حتی

^۱ مجموعه ورام - ص ۲۳۵

بین‌المللی، وجود رکن قضائی است که می‌تواند با اجرای عدالت و برخورد با متجاوزین به اَمْنِیت و آسایش فردی و جمعی، زمینه تداوم اَمْنِیت، به ویژه در بعد روانی را فراهم آورد.

با وجود نهاد قضائی کارآمد، قاطع و عادل، آحاد جامعه به وجود اَمْنِیت امیدوار می‌شوند و احساس اَمْنِیت و آسودگی بر جامعه حکم‌فرما می‌شود.

احساس ناامنی از فقدان عدالت و ترس از ظلم و ستم زورمداران و ستمگران ایجاد می‌شود و نقش دستگاه قضائی در رفع چنین احساس نامطلوبی در جامعه مهم و انکارناپذیر است. قرآن کریم به سَنَت الهی برای استقرار عدالت و مقابله با ظلم و ستم به افراد جامعه چنین اشاره می‌کند:

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ^۱

^۱ و هر امتی پیامبری دارد و چون پیامبرشان بیاید در میان آنان داد‌گرانه قضاوت شود و بر آنان ستم نرود. قرآن کریم-سوره یونس-آیه ۴۷

فرمان الهی برای تحکیم عدالت و رعایت دستورات خداوند در قضاوت و داوری در امور مردم در قرآن کریم این گونه بیان شده است:

﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ... ﴾^۱

پیامبر گرامی اسلام (ص) هر قاضی را که به عدالت حکم کند مشمول لطف و رحمت خداوند می داند و آن کس که از اجرای عدالت روگردان شود، رها شده به حال خویش معرفی می کند.^۲

هم چنین پیامبر اکرم (ص) قاضی را که به حق داوری نکند، مستوجب لعنت الهی دانسته است^۳، زیرا بی عدالتی

^۱ خدا به شما امر می کند که امانت را البته به صاحبانش باز دهید و چون میان مردم قضاوت می کنید، به عدالت داوری کنید... قرآن کریم-سوره

نساء آیه ۵۸

^۲ سنن بیهقی-جلد ۱۰-ص ۸۸

^۳ المستطرف-ج ۱-ص ۱۳۷

جامعه را به سوی ناامنی و تزلزل سوق می‌دهد و بدینی اشخاص را سبب می‌شود.

اهمیت قضاوت در جامعه و نقش آن در برقراری امنیت در همه سطوح و حوزه‌ها تا بدان جا است که رسول گرامی اسلام (ص) بهترین اشخاص امت خویش را بهترین قضات دانسته است^۱ و در عین حال تصدی منصب قضا را به ذبح بدون استفاده از چاقو تشبیه فرموده است.^۲

قاطعیت نهاد قضایی از دیدگاه اسلام ضرورت حتمی است و نتیجه آن ایجاد امنیت روانی فرد و جامعه می‌باشد، خداوند متعال به پیامبرش فرمان داده است که در قضاوت میان مردم، احکام و دستورات الهی را میزان و شاخص قرار دهد و تحت فشارها و تهدیدها، از تمایلات و خواهش‌های اشخاص تبعیت و پیروی نکند.^۳

^۱ صحیح بخاری-جلد ۳-ص ۱۵۳

^۲ سنن بیهقی-ج ۱۰-ص ۹۶، کنز العمال-ج ۶-ص ۹۵

^۳ قرآن کریم-سوره مائده-آیه ۴۸

حضرت علی (ع) نیز در منشور حکومتی که خطاب به مالک اشتر صادر فرموده‌اند، با اشاره به اهمیت قضاوت در جامعه، بر دقت در انتخاب قاضی از میان با فضیلت‌ترین، صبورترین، محتاط‌ترین، قاطع‌ترین، نفوذناپذیرترین و باتقواترین انسان‌های جامعه تأکید ورزیده است.^۱

۱۳ - کنترل رسانه‌ها و اطلاع رسانی: رسانه‌ها، اعم از رسانه‌های دیداری (همچون تلویزیون و سینما) و نوشتاری (مانند مطبوعات و مجلات) و یا رسانه‌هایی مانند شبکه جهانی (اینترنت) و سایت‌های موجود در آن، نقش انکارناپذیر و مهمی در انتقال و جابجایی اطلاعات دارند و این کارکرد اثرات مثبت و منفی در زندگی فردی و اجتماعی اشخاص دارد و می‌تواند موجب تقویت و تحکیم امنیت و آسایش آحاد جامعه گردد، همچنان که ممکن است دارای نقش منفی و مخرب بر امنیت فردی و اجتماعی داشته باشد و سبب ایجاد احساس ناامنی در حوزه فردی و یا

^۱ نهج البلاغه، نامه ۵۳

اجتماعی شود و موجبات سلب آسایش و امنیت روانی افراد را فراهم آورد.

به عنوان مثال، ورود به حریم خصوصی انسان‌ها و افشای اطلاعات خصوصی و شخصی افراد به بهانه اطلاع رسانی از خطرات مهمی است که امنیت خلوت اشخاص را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد.

دین اسلام هرگونه اقدام و عملی که منجر به ورود ناخواسته و بی‌اجازه به حریم خصوصی دیگران شود را ممنوع و حرام دانسته است و انسان‌ها را از مبادرت به آن نهی فرموده است. کنکاش و تجسس در زندگی و امور خصوصی دیگران و افشا و نشر اسرار آنان در اسلام مذموم معرفی شده است.^۱

استراق سمع، استراق بصر و هتک آبروی اشخاص نیز از مصادیق بارز تجاوز به حریم خصوصی آنهاست که مورد تحریم شریعت اسلام قرار گرفته است، چنانکه پیامبر گرامی

^۱قرآن کریم-سوره حجرات-آیه ۱۲

اسلام (ص) اهمیت آبروی انسان‌ها را در حدّ حیات آن‌ها قرار داده است.

بدیهی است تعرّض به حریم شخصی انسان‌ها، مهم‌ترین عامل بروز ناامنی محسوب می‌شود و ارتقا و گسترش اعجاب‌انگیز رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، شبکه‌های گسترده اجتماعی و ابزارهای پیشرفته ارتباطی، ابزار اساسی و مؤثری در تجاوز به حریم خصوصی اشخاص بشمار می‌آیند.

استناد به اصل جریان آزاد اطلاعات نیز از چالش‌های مهمی است که به بهانه آن، اسرار و زندگی خصوصی انسان‌ها افشا و منتشر می‌گردد و امنیت اشخاص مورد تهاجم قرار می‌گیرد.

همچنین انتشار سریع شایعات در شبکه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها و انتقال لحظه‌ای و آنی مطالب ناصحیح و غیرواقعی می‌تواند موجب بروز حس ناامنی در جامعه گردد و بدبینی‌ها و دشمنی‌ها را موجب شود که بستر ناامنی را فراهم می‌آورد.

البته رسانه‌ها می‌توانند ابزار و وسیله مناسبی برای ایجاد و تقویت امنیت روانی جامعه باشند، لذا کنترل آن‌ها براساس موازین و حدود معین شده در احکام شریعت اسلام می‌تواند به عنوان راهکاری مناسب در جهت تحکیم امنیت فردی تلقی شود.

۱۴ - جهاد: در فرهنگ اسلام، جهاد به عنوان یک تکلیف بر عهده همه مسلمانان است تا در صورت ضرورت و وجود شرایط آن، آحاد جامعه اسلامی به این تکلیف دینی خود عمل نمایند.

در قرآن کریم، همواره جهاد با قید «فی سبیل الله» همراه گردیده است و این بدان معناست که این تکلیف با هدفی الهی و در مسیری که خداوند مقرر فرموده است، می‌بایست اعمال گردد.

باید توجه داشت که «جهاد» از منظر اسلام اختصاص به دفاع و جنگ ندارد، بلکه قلمروی جهاد گسترده و وسیع است و از کسب درآمد و تلاش برای تأمین نیازهای خانواده

آغاز می‌شود، تا جنگ و دفاع در قبال فتنه گران داخلی و دشمنان خارجی جامعه.

به علاوه جهاد از دیدگاه پیامبر اسلام (ص) به جهاد اکبر و جهاد اصغر تقسیم می‌شود. جهاد اصغر، دفاع از کیان نظام اسلامی و مقابله با فتنه گران و دشمنان داخلی و خارجی است و جهاد اکبر مربوط به مقابله درونی با هوا و هوس‌های انسانی است که موجب تزکیه انسان می‌شود و او را از مبادرت به اعمال ناصحیح و اقداماتی که موجب ناامنی جامعه می‌شود باز می‌دارد.^۱

اهداف جهاد با دشمنان و فتنه گران جامعه اسلامی عبارت‌اند از:

الف- سرکوب کردن فتنه‌هایی که امنیت فردی و اجتماعی را به مخاطره می‌افکند:

وَقَتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ

^۱کنز العمال- ج ۴- ص ۴۳۰

أَنْتَهُوَ فَلَا عُدُونَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۳۲﴾^۱

ب - دفاع از امنیّت و کیان کشور و تأمین امنیّت مسلمانان و مقابله با تهدیدات و تجاوزات خارجی:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ... ﴿۱۳۳﴾^۲

ج - مقابله با ستمگران و دفاع از مظلومان جامعه که حقوق طبیعی انسان‌ها را پایمال کرده و موجب ناامنی روانی و فیزیکی آنان گردیده‌اند:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا

^۱ و با آنان چندان نبرد کنید که فتنه‌ای باقی نماند و دین فقط آئین الهی باشد و چون دست برداشتند، ستم نباید کرد مگر بر ستمگران. قرآن کریم -سوره بقره -آیه ۱۹۳

^۲ و در برابر آنان هر نیرویی که می‌توانید، از جمله نگاهداری اسبان را فراهم آورید تا به آن وسیله دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید... قرآن کریم -سوره انفال -آیه ۶۰

أَخْرَجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ
لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴿٧٥﴾^۱

د - رفع سلطهٔ شرک و بت پرستی، به عنوان زمینه‌های
ناامنی و از بین بردن سران کفر که مردم را به استضعاف
فکری می‌کشاند و امنیت روانی و فیزیکی را از آنان سلب
می‌کنند:

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي
دِينِكُمْ فَقَتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ
لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴿٧٦﴾^۲

^۱ و چرا در راه خدا و در راه آزادسازی مردان و زنان و کودکان
مستضعف که می‌گویند: پروردگارا ما را از این شهری که اهلش
ستمگرند خارج فرما و از سوی خویش برای ما یاری و یاور ی بگمار،
کارزار نکنید. قرآن کریم -سوره نسا- آیه ۷۵

^۲ ولی اگر سوگندهایشان را پس از ایمان بستنشان شکستند و در دین شما
طعن زدند، آنگاه با پیشوایان کفر کارزار کنید، چرا که حرمت سوگند
را رعایت نمی‌کنند، باشد که دست بردارند. قرآن کریم -سوره توبه- آیه

بدیهی است نتیجه و اثر مقابله با فتنه‌ها، دشمنان خارجی، ستمگران و مشرکین و کفار، از بین بردن زمینه‌های ناامنی فردی و به تبع آن امنیت اجتماعی و برقراری امنیت در همه سطوح فردی، اجتماعی، ملی و حتی بین‌المللی خواهد بود. در اندیشه والای اسلامی، امنیت پاداشی برای مجاهدین و صابرين است و این امر نشانگر جایگاه امنیت از دیدگاه اسلام است.

مرز امنیت فردی و امنیت اجتماعی

در مقایسه اهمیت حقوق و آزادی‌های بشر، این سؤال به ذهن هر انسان خطور می‌کند که حق برخورداری از امنیت مقدم است یا بهره‌مندی از آزادی؟

هم‌چنین در قیاس امنیت فردی و امنیت اجتماعی، کدامیک از اولویت برخوردارند؟ و در صورت بروز تعارض و تداخل بین آن دو، کدامیک را باید مقدم و ارجح دانست؟

برای پاسخ به این گونه سؤالات، ضرورت دارد تا مرز بین امنیت فردی و امنیت اجتماعی مورد شناسایی قرار گیرد و تأثیر آن دو بر یکدیگر مشخص گردد، در این صوت اهمیت و اولویت آن‌ها روشن خواهد شد. نکات ذیل در خصوص مرز امنیت فردی و اجتماعی حائز اهمیت است:

۱- اقسام مختلف امنیت، اعم از فردی و اجتماعی و حتی امنیت بین‌المللی، صرف‌نظر از گستره و قلمروی نفوذ آن، از نوعی وابستگی برخوردارند، به نحوی که انفکاک آن‌ها از یکدیگر ممکن نیست و در واقع می‌بایست آن‌ها را

اجزای غیر قابل تفکیک دانست که هر یک از قلمروی خاصی برخوردار است و دایره نفوذ خاص خود را دارد.

در گفتمان امنیتی اسلام، وابستگی امنیّت حوزه‌های فردی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال در بیان اهمیّت امنیّت جانی انسان‌ها، شریعت اسلام آن را از حوزه حقوق فردی فراتر دانسته و تعرّض به حیات یک انسان را به منزله تجاوز و ناامن نمودن حق حیات همه انسان‌ها قلمداد نموده است:

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا ... ﴿۱﴾

۲- از میان اقسام امنیّت، امنیّت فردی از اهمیّت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و میزان نفوذ و تأثیرگذاری

^۱ به این جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل، یا به جزای فساد در روی زمین، بکشد مانند اینست که همه مردم را کشته باشد؛ و هر کس کسی را زنده بدارد، مانند اینست که همه مردم را زنده داشته باشد... قرآن کریم-سوره مائده-آیه ۳۲

آن بر سایر حوزه‌های امنیّت اجتماعی و یا بین‌المللی غیرقابل انکار است و این امر لزوم توجّه خاص به این قسم از امنیّت را مسلّم می‌سازد.

امنیت فردی را می‌بایست شالوده امنیت انسان‌ها در همه زمینه‌ها دانست، زیرا مقوله امنیت از امنیت شخصی افراد آغاز می‌شود و مدخل ورود به قلمروی روانشناسی، جامعه‌شناسی، سیاست و تحلیل روابط «فرد و جامعه» و «تعامل فرد و حکومت» با توجّه به امنیت فردی امکان‌پذیر است.

تأکیدی که نظام‌های غربی به ظاهر برای رعایت حقوق بشر توسط دولت‌ها نسبت به آحاد اتباع خود ابراز می‌دارند، با این استدلال همراه است که: مراعات حقوق و آزادی‌های مدنی آحاد جامعه سبب امنیت ملّی هر کشور می‌گردد و امنیت جوامع مختلف عضو جامعه بین‌المللی موجب پایداری و استمرار صلح و امنیت جهانی خواهد شد، لذا برای دستیابی به صلح پایدار جهانی، می‌بایست از امنیت شخصی انسان‌ها صیانت کرد.

گرچه این استدلال دستاویز و ابزار دولت‌های غربی برای اعمال فشار علیه مخالفین آنهاست و در مواقعی که صلاح بدانند از این وسیله و اهرم برای مقابله با دولت‌ها و نیل به اهداف سیاسی و اقتصادی خویش بهره می‌گیرند، لیکن شریعت اسلام صدها سال پیش از آنکه این امر توسط غریبان مطرح و تبلیغ شود، در گفتمان امنیتی خویش بر آن تأکید ورزیده است.

۳- امنیت در همه حوزه‌های فردی، اجتماعی و بین‌المللی امری نسبی است و انتظار تحقق امنیت مطلق، معقول و قابل تحقق و دستیابی نیست.

در یک نظام اسلامی مبتنی بر قواعد شریعت اسلام، امنیت فردی تا آن جا محترم و مورد حمایت است که موجب اخلال در حقوق و امنیت دیگران نگردد و یا امنیت اجتماعی را به مخاطره نیندازد. به عنوان مثال امنیت شخص برای اعمال حق بیان و آزادی نشر و تبلیغ دیدگاه‌ها و عقاید خویش تا آنجا محترم شمرده می‌شود که این حق با حسن

نیت اعمال گردد و موجب ایجاد انحراف فکری و اعتقادی دیگران و یا فساد اخلاقی در جامعه نشود.

به این وصف انتظار و توقع وصول به امنیت مطلق و بدون قید و شرط در یک جامعه، جز در مورد حقوق انسانی محدودیت ناپذیر (مانند آزادی عقیده و دین)، با واقعیت منطبق نخواهد بود.

حکومت اسلامی نیز وظیفه دارد تا از امنیت فردی آحاد جامعه صیانت و پاسداری کند، ولی آنجا که اشخاص با سوءاستفاده از حقوق و آزادی‌های خویش موجب ایجاد مخاطره برای دیگران و جامعه گردند، امنیت جامعه اولویت پیدا می‌کند و ممکن است امنیت فردی دچار محدودیت شود.

این امر از اهمیت امنیت فردی و محوریّت آن در راستای تأمین امنیت اجتماعی و حتی امنیت بین‌المللی نمی‌کاهد، بلکه اولویّت‌ها و واقعیّات مورد توجّه قرار می‌گیرد.

وظایف دولت در تأمین امنیت فردی

استقرار امنیت فردی و اجتماعی و پاسداشت آن در جامعه از وظایف و تکالیف دولت‌ها به شمار می‌آید.

در واقع تأمین امنیت، چه در حوزه زندگی فردی اشخاص و یا در قلمروی زندگی اجتماعی و یا حتی در سطح بین‌المللی، از اهداف و مقاصد تشکیل جامعه و نهاد سیاسی دولت محسوب می‌شود؛ بنابراین طبیعی است که نخستین دغدغه و چالش هر دولت را مقوله مبارزه با ناامنی و استقرار امنیت در همه زمینه‌ها بدانیم.

در قرآن کریم مسئله استقرار حاکمیت خداوند و جانشینی انسان‌های صالح به فرمانروایی در زمین، باهدف تأمین امنیت دانسته شده است.^۱

بدین ترتیب تأمین امنیت فردی و شخصی به عنوان یک دغدغه اصلی و شاخص و ملاک برای ارزیابی موفقیت دولت در انجام وظایف و دستیابی به اهداف تأسیس آن

^۱سوره نور-آیه ۵۵

تلقی می‌گردد، بدیهی است چنانچه یک حکومت در ایجاد و پاسداری از امنیت فردی توفیق یابد، می‌تواند امنیت اجتماعی را در جامعه مستقر نماید، ولی اگر دولت نتواند از امنیت فردی آحاد جامعه صیانت نماید، به طریق اولی قادر به تأمین امنیت اجتماعی نخواهد بود، زیرا امنیت شخصی به عنوان زیربنای امنیت اجتماعی محسوب می‌گردد.

از طرفی اعمال حاکمیت توسط دولت، چه در حوزه اقتدار داخلی و برقراری نظم و انضباط اجتماعی، چه در حوزه استقلال خارجی و جلوگیری از تسلط بیگانگان بر شئون اقتصادی، نظامی، سیاسی و سایر زمینه‌ها، منوط به استقرار امنیت فردی و اجتماعی است و در غیاب امنیت امکان انجام وظایف و تکالیف حاکمیتی دولت وجود نخواهد داشت.

از دیدگاه حقوق اسلامی، دولت به عنوان برآیند نیازمندی‌های آحاد جامعه و احتیاجات واقعی آنهاست و بی‌شک نیاز انسان‌ها به امنیت در رأس همه خواست‌ها و نیازهای بشری قرار دارد.

قرآن کریم در بیان اقدامات ذوالقرنین برای مبارزه و مقابله با فتنه‌های قوم یاجوج و مأجوج که با ایجاد فساد موجب ناامنی قومی را فراهم آورده بودند، چنین می‌فرماید:

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونَهُمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾ قَالُوا يَبْنَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾

آن‌گاه ذوالقرنین برای تأمین امنیّت آن قوم سدّی محکم بنا نمود، چنانکه راه تجاوز قوم یاجوج و مأجوج برایشان بسته شد و امنیّت برای آنان فراهم آمد.^۲

^۱ آنگاه سر رشته کار خود را دنبال گرفت تا به فاصله میان دو کوه سرآسا رسید و در پیش آن مردمانی را یافت که زبانی نمی‌فهمیدند. گفتند ای ذوالقرنین قوم یاجوج و مأجوج در این سرزمین فتنه و فساد برپا می‌کنند، آیا می‌خواهی خراجی به تو بپردازیم که بین ما و آنان سدّی بسازی؟...

سوره کهف- آیات ۹۲-۹۴

^۲ سوره کهف- آیه ۹۶

نباید فراموش کرد که دولت به عنوان حاکم و قوه عالی، می‌تواند به عنوان تهدیدی علیه امنیت فردی انسان‌ها باشد و از طرفی وظیفه دارد تا از تعدی و تجاوز دیگران به امنیت شخصی افراد جامعه ممانعت به عمل آورد و از حقوق شهروندان خویش صیانت نماید.

هم‌چنین اشخاص نیز می‌توانند با رعایت مقررات و نظامات اجتماعی موجب حفظ امنیت دیگران و جامعه باشند، یا به عنوان منبع ناامنی با توسل به قانون‌گریزی و تجاوز به حقوق دیگران، از آنان و اجتماع سلب آرامش و امنیت نمایند.

در نظام‌های حقوقی نوین، قانون‌گذاری و تعیین محدوده و قلمروی آزادی‌ها و حقوق اشخاص به عنوان راهکار اصلی ایجاد و حفظ امنیت شناخته شده است و شهروندان با اجرای صحیح قوانین و حفظ قلمروی اعمال حقوق و آزادی‌های خویش و احترام به محدوده اعمال حقوق دیگران، از امنیت فردی و به تبع آن از امنیت اجتماع خود پاسداری می‌نمایند و در صورت تخطی و تجاوز از

قوانین و مقررات و تعدی به حریم حقوق و آزادی‌های دیگران یا اجتماع با قوانین کیفری مقرر مواجه می‌باشند، که مجازات و کیفر در انتظار آنان خواهد بود.

از طرفی دولت‌ها مکلف‌اند به عنوان قوهٔ منتخب ملت، از طریق مقابله با تهدیدات و تجاوزهای گوناگون بیگانگان و تأمین شرایط اعمال حقوق سیاسی و مدنی شهروندان خویش و ایجاد امکان مشارکت عموم مردم در سرنوشت سیاسی و اجتماعی آنان، امنیت فردی و اجتماعی ایشان را فراهم آورند و زمینه‌های ناامنی را ریشه کن نمایند.

برقراری امنیت در جامعه، چه در حوزهٔ فردی و یا اجتماعی، امتیاز یک دولت و نشانهٔ قدرت او محسوب می‌شود.

قرآن کریم در بیان داستان هجرت حضرت یعقوب به سرزمین مصر، آن دیار را به امنیت توصیف نموده است:

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا

مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ ﴿٩٩﴾

۱ و چون بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را در کنار گرفت و گفت
به خواست خداوند با امن و امان وارد مصر شوید و همین جا سکنی
گزینید. قرآن کریم-سوره یوسف-آیه ۹۹

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه-محمد عبده-چاپ بیروت
- ۳- آزادی‌های عمومی و حقوق بشر-منوچهر طباطبائی مؤتمنی-انتشارات دانشگاه تهران-سال ۱۳۷۰ شمسی.
- ۴- آثارالصادقین-صادق احسان بخش-ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان- سال ۱۳۷۲ شمسی.
- ۵- احیاء علوم الدین-محمد غزالی- چاپ دارالمعرفه-بیروت
- ۶- المستظرف-شهاب‌الدین محمد بن احمد-چاپ مصر-۱۳۷۱ قمری
- ۷- بحارالانوار-علامه محمدباقر مجلسی-چاپ مؤسسه الوفاء-بیروت-سال ۱۴۰۳ قمری
- ۸- تحف العقول-ابن شعبه حرانی- انتشارات علمیّه اسلامیّه-تهران
- ۹- حقوق بشر در سه نظام حقوقی: حقوق بین‌الملل، حقوق اسلام و حقوق ایران- دکتر عباس

خواجه پیری- انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

مرکز - سال ۱۳۸۱ شمسی - تهران.

۱۰- دانشنامه سیاسی-داریوش آشوری-انتشارات

مروارید-سال ۱۳۵۷ تهران

۱۱- سفینه البحار-محدث قمی-کتابخانه سنائی-تهران

۱۲- سنن بیهقی - بیهقی-چاپ - دارالمعرفه- بیروت

۱۳- صحیح بخاری - بخاری - چاپ احیاء التراث

العربیّه - بیروت

۱۴- صحیح مسلم - مسلم - چاپ احیاء التراث

العربیّه - بیروت

۱۵- کنز العمال - علامه هندی- چاپ بیروت - سال

۱۴۰۵ قمری

۱۶- مجمع البیان - شیخ طوسی - مکتبه علمیّه

اسلامیّه - چاپ تهران

۱۷- مجموعه ورام - ورام بن الجافراس - چاپ قم -

سال ۱۳۷۵ قمری.

۱۸- محبة البیضاء - ملّاحسین فیض کاشانی - چاپ

جامعه مدرّسین قم

۱۹- نهج الفصاحه

سایر آثار مؤلف

- ۱- حقوق مدنی (۶)- عقود معین (۱)- انتشارات گنج دانش- سال ۱۳۸۰ ه.ش
- ۲- حقوق مدنی (۸)- ارث، وصیت، اخذ به شفعه- انتشارات گنج دانش- سال ۱۳۸۲ ه.ش
- ۳- انحلال و تصفیه شرکت‌های تجاری- حقوق تجارت- انتشارات امیرکبیر- سال ۱۳۷۹ ه.ش
- ۴- موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن- حقوق مدنی (۴)- انتشارات بین‌المللی الهدی- سال ۱۳۸۴ ه.ش
- ۵- حقوق بشر در سه نظام حقوقی (حقوق بین‌الملل، حقوق اسلام و حقوق ایران)- انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی مرکز- سال ۱۳۸۱ ه.ش
- ۶- فرهنگ‌نامه حقوق بشر اسلامی (۱)- مبانی حقوق بشر اسلامی- نشر آثار سبز- سال ۱۳۹۱ ه.ش
- ۷- فرهنگ‌نامه حقوق بشر اسلامی (۲)- حق حیات در اسلام- نشر آثار سبز- سال ۱۳۹۲ ه.ش
- ۸- فرهنگ‌نامه حقوق بشر اسلامی (۳)- اسلام و حق حریم خصوصی- نشر آثار سبز- سال ۱۳۹۲ ه.ش